

چالش‌های سیاست جنایی قضایی در کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان^۱

محمد متین پارسا*، حسنعلی مؤذن زادگان**

چکیده

مجازات خدمات عمومی رایگان به عنوان جایگزین حبس به دلیل لزوم همکاری توأمان دستگاه قضا، نهادهای پذیرنده و خود مجرم در فرایند اجرای این حکم از بارزترین مصادیق مجازات‌های اجتماع‌محور است. با توجه به چندوجهی بودن و ضرورت وجود بسترهای لازم جهت اثربخش بودن چنین نهادهایی، بررسی چالش‌های احتمالی کاربست نهادهای کیفری نوین یکی از موضوعات مهم مباحث کیفرشناختی است. در این ارتباط قضات به‌عنوان افرادی که به قوانین تجسم می‌بخشند و حلقه اتصال مقنن، دستگاه قضا، نهاد پذیرنده و مجرم هستند، کنشگران اصلی کاربست مجازات خدمات عمومی در نظر گرفته شدند. در این راستا با گردآوری آرای مرتبط و پالایش آن‌ها، اقدام به شناسایی قضاتی که تجربه صدور یا اجرای چنین آرای را داشته‌اند شد. از این طریق ابتدا یک گروه تمرکزی با حضور ۱۲ نفر از قضات، تشکیل و دیدگاه و تجربیات این افراد گردآوری شد. در گام بعدی با استفاده از داده‌های حاصل از گروه تمرکزی محورهای پروتکل مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته تهیه شد و ۱۱ تن از مقامات قضایی دارای تجربه صدور و اجرای چنین احکامی به‌علاوه دو تن از قضات مطلع نسبت به موضوع مورد مصاحبه قرار گرفتند. داده‌های گردآوری شده

۱. این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی نویسنده مسئول تحت عنوان «کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان در بستر سیاست جنایی ایران؛ چالش‌ها و راهکارها» با راهنمایی آقای دکتر حسنعلی مؤذن‌زادگان و مشاوره آقای دکتر سیدمنصور میرسعیدی و آقای دکتر حسین غلامی در دانشگاه علامه طباطبائی است.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)
m_matinparsa@atu.ac.ir

** دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
moazenzadegan@gmail.com

بیان‌گر چالش‌های متعدد قضایی در این حوزه است که می‌توان آن‌ها را ذیل دو مقوله کلی «جاری بودن و استمرار معیارهای کیفرگزینی (حبس‌گرایی و آمارگرایی) متناقض با ماهیت مجازات‌های اجتماع‌محور (بازپروری و بازاجتماعی نمودن)» و «عدم توجه به زیرساخت‌های اجرایی مجازات‌های اجتماع‌محور» مطرح نمود. بر اساس تحلیل یافته‌های فوق می‌توان مدعی شد که وجود چنین چالش‌هایی تابعی از رویکرد نادرست سیاست‌گذاران کیفری در ارتباط با مجازات‌های اجتماع‌محور بوده است؛ به این معنی که قانون‌گذار صرفاً با هدف کاهش جمعیت کیفری زندان به سیاست‌گذاری درخصوص مجازات خدمات عمومی رایگان پرداخته است و بدین سبب از تحقق پیش‌شرط‌های اساسی این مجازات که همانا بازپروری/بازاجتماعی کردن محکومان است، فروگذار بوده است.

واژگان کلیدی: مجازات‌های اجتماع‌محور، بازاجتماعی کردن، معیارهای کیفرگزینی، جایگزین‌های حبس، حبس‌گرایی

مقدمه

پس از حذف و یا بعضاً کم‌رنگ شدن برخی از مجازات‌های شدید بدنی، زندان نیز از انتقاد اصلاح‌طلبان حقوق کیفری دور نماند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲)؛ با افزایش چشمگیر جمعیت کیفری در نیمه قرن بیستم، نظریه‌پردازان در پی برطرف کردن این مشکل برآمدند. در این دوره مطالعات تجربی جرم‌شناختی و کیفرشناختی حاکی از آن بودند که اصلاحات صورت گرفته در زندان‌ها نه تنها نتایج مثبتی بر بازپذیری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از جرم نداشته و به اصطلاح مؤثر^۱ نبوده است (Nieuwbeerta and et al, 2009: 229)^۲، بلکه زندان همچنان دارای آسیب‌های فراوانی است.^۳ در چنین شرایطی، «عدالت ترمیمی» و «جایگزین‌ها» اعم از جایگزین‌های تعقیب

1. Effectiveness

۲. یکی از اثرگذارترین آثار در این دوره مقاله مارتینسون است که با عنوان «چه چیزی مؤثر است؟ پرسش‌ها و پاسخ‌ها در مورد اصلاح زندان» به ارثه فرائتحلیل در خصوص اقدامات و عواملی که تصور می‌شود منجر به بازپروری بزهکار در زندان خواهند شد، می‌پردازد. نویسنده در این تحقیق پنج عامل کلی را مورد بحث قرار می‌دهد: ۱. تحصیل و حرفه‌آموزی؛ ۲. تأثیر مشاوره‌های فردی (و مشاوره‌های گروهی)؛ ۳. دگرگونی محیط زندان (اصلاح فضای محیطی زندان)؛ ۴. درمان‌های پزشکی (با هدف کاهش مشکل تکرار جرم) و ۵. تأثیر مجازات (به عنوان مثال مدت زندان). نتیجه‌ای که نویسنده از بررسی خود بیان می‌کند آن است موفق با بازپروری مجرم هنگام درون مؤسسه (زندان) است نخواهیم شد و باید بیرون از آن و در چارچوب جامعه چنین هدفی پیگیری شود (Martinson, 1974: 22-54).

۳. فراگیری جرم، فروپاشی خانواده‌ها، از دست دادن موقعیت اجتماعی و تشدید فقر از جمله آسیب‌هایی است که از

یا مجازات توجه سازمان‌ها، نهادها و کنفرانس‌های بین‌المللی و در نهایت قانون‌گذاران داخلی کشورهایی که با معضل تراکم در زندان‌ها مواجه بودند، به خود جلب کرد و متعاقباً این اندیشه پذیرفته شد که با رویکردی افتراقی، واکنش اجتماعی نسبت به مجرمان خشن و بزهکارانی که بی‌خطر هستند و یا خطر اندکی برای جامعه دارند باید متفاوت باشد. در همین راستا کاربست «جایگزین‌های حبس»^۱، به یکی از گرایش‌های غالب نظام کیفری در دهه ۶۰ میلادی تبدیل شد (توجهی و زارع، ۱۳۹۸: ۶). هرچند در دوره‌هایی تحقیقات انجام‌شده در مورد اثربخشی مجازات‌های جایگزین نیز حاکی از ثمربخش نبودن چنین نهادهایی بوده است، اما می‌توان این عدم موفقیت را ناشی از رویکرد خاص نسبت به این‌گونه نهادها دانست که در اوایل صرفاً به‌عنوان جایگزین‌های حبس و ابزاری برای کاهش جمعیت زندان در نظر گرفته می‌شدند (تونری، ۱۳۸۷: ۱۹۲). در حالی که با تغییر رویکرد و در نظر گرفتن این نوع از پاسخ‌های کیفری به‌عنوان واکنش‌هایی مستقل و نه به‌عنوان جایگزین حبس، ادله‌ای دال بر اینکه که این نوع از پاسخ‌های کیفری می‌تواند دست‌کم در مورد گروه خاصی از بزه‌کاران مؤثر باشد مشاهده شد (Sanders & Senior, 1993: 125).^۲

بخشی از این مجازات‌های جایگزین که به‌عنوان کیفرهای اجتماع‌محور شناخته می‌شوند، مجرم را از بستر اجتماع جدا نمی‌نمایند، بلکه اصلاح و بازپروری او را با اعمال سازوکارهای کنترلی و نظارتی لازم، در محیط اجتماع دنبال می‌کنند (قاسمی مقدم، ۱۳۸۷: ۱۳۲ و ۱۳۳). این مجازات‌ها که از آن به‌عنوان کیفرها یا «ضمانت‌اجراه‌های کیفری مشارکتی» نیز یاد می‌شود، مانع ورود و نگهداری بزهکار در نهادهای کلاسیک رسمی می‌شود. به عبارت دیگر مجازات‌های اجتماع‌محور با نظارت، مداخله یا مشارکت نهادهای خاصی به اجرا درمی‌آید. بر این اساس، بزهکار برای تحمل محکومیت کیفری در جامعه باقی خواهد ماند (منصورآبادی و کونانی، ۱۳۸۹: ۱۱).

در ایران نیز با برگزاری نخستین همایش بین‌المللی جرم‌شناسی در سال ۱۳۷۹ و سپس آغاز برخی همکاری‌های بین‌المللی از جمله ورود و توصیه‌های «سازمان بین‌المللی اصلاحات کیفری» (PRI) که در آغاز دهه هشتاد تجربیات خود در کشورهای آفریقایی را با نهادهای قضایی ایران به اشتراک گذاشت و نیز بهره‌مندی از تجربیات قضات اطفال برخی کشورها، از جمله اتریش، زمینه

سوی خود محکومین به حبس نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد (Weaver & Armstrong, 2011: 14).

1. Alternatives to custody
2. Lipsey, M. W. (1992) 'Juvenile Delinquency Treatment: A Meta-Analytic Inquiry into the Variability of Effects', in T. Cook, D. Cooper, H. Corday, H. Hartman, L. Hedges, R. Light, T. Louis and F. Mosteller (eds.) *Meta-analysis for Explanation: A Casebook*. New York: Russell Sage Foundation.

برای آشنایی و شناخت جایگاه و اهمیت جایگزین‌ها فراهم شد (آشوری، ۱۳۹۹: پیشگفتار ویراست دوم)، اما با فاصله‌ای بسیار قانون‌گذار با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اختصاص فصلی به چند مصداق از مجازات‌های اجتماع‌محور^۱، رسماً این جایگزین‌ها به تدریج وارد نظام کیفری کشورها شده‌اند، اما در ایران به علت طولانی شدن تصویب قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی که حدود یک دهه به طول انجامید، به یکباره و در نبود زیرساخت‌های لازم و نیز در فقدان جوّ پذیرشی، وارد نظام کیفری ایران شد (آشوری، ۱۳۹۹: پیشگفتار ویراست دوم). با تصویب آیین‌نامه‌ها و صدور بخشنامه‌های مربوط، سعی بر اجرایی شدن جایگزین‌ها بوده است، لیکن به نظر می‌رسد که علاوه بر اقناع مجریان به مفید بودن و ضرورت به‌کارگیری جایگزین‌ها چه با هدف تفرید و چه به‌منظور کاستن از جمعیت کیفری، آموزش عمومی شهروندان و آشنا ساختن آنان با «نهادهای جایگزین» که در پاره‌ای از موارد حتی با نام آن‌ها آشنایی ندارند، در کنار فراهم کردن سایر ابزار و بسترها، ضروری است؛ به عبارتی حقوقی‌سازی یافته‌های جرم‌شناختی در قالب نهادهای قانونی کیفرزدا - زندان‌زدا، تنها بخشی از راه برای نیل به اهداف عالی آن است؛ زیرا تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد کاربست چنین نهادهایی در نظام کیفری ایران به دلایل گوناگون محکوم به شکست خواهند بود.^۲ به عبارتی هرگونه موفقیت در اجرای تدابیر جایگزین در سطح گسترده به (۱) روشنی قوانین؛^۲ پذیرش هدف‌های قوه مقننه از سوی قوه قضائیه؛ و^۳ نقش مهم قوه قضائیه در ارائه تفسیرها و راهکارهای اجرایی به قضات جهت صدور احکام جایگزین، بستگی دارد (آشوری، ۱۳۹۹: ۶۱).

با توجه گستردگی مطالب و نیز نقش اصلی قضات، نوشته حاضر توجه خود را به چالش‌های احتمالی دستگاه قضا در کاربست یکی از بازرترین نمونه‌های نهادهای اجتماع‌محور (خدمات عمومی رایگان) معطوف نموده است.

خدمات عمومی رایگان که نخستین بار با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ وارد ادبیات قانونی ایران گردید، با تصویب آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی لازم‌الاجرا گردید. به موجب ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی، خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با

۱. هر چند جزای نقدی ذیل این عنوان نمی‌گنجد و متن لایحه پیش‌گفته نیز قید نشده بود.

۲. برای نمونه نتیجه بررسی آرای تعلیق در آمار دادگاه‌های اردبیل نشان می‌دهد که از مجموع ۱۶۶۴۴۸ هزار پرونده مختومه که تعداد آن‌ها ۷۷۰۰۷ فقره آن‌ها مستعد صدور قرار تعلیق اجرای مجازات بوده است، تنها در ۴۱ پرونده قرار تعلیق اجرای مجازات صادر گردیده است (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۰: ۳۳۵).

رضایت محکوم برای مدت معین مورد حکم واقع می‌شود و تحت نظر قاضی اجرای احکام اجرا می‌گردد». بند «ب» ماده ۱ آیین‌نامه فوق نیز بیان می‌کند، «خدمات عمومی رایگان، خدمات عام‌المنفعه‌ای است که با رضایت محکوم برای مدت معین و به‌طور رایگان به‌موجب حکم دادگاه وفق ماده ۸۴ قانون، به شرح مندرج در آیین‌نامه، در نهادهای پذیرنده انجام می‌گیرد.» بنابراین هدف از حکم به انجام خدمت عمومی، فراهم کردن یک مجازات اجتماعی سودمند است که می‌تواند باعث افزایش احتمال اصلاح مرتکب، کاهش خطر تکرار جرم، تنبیه مجرم از طریق کار، جبران خسارت از طریق کاری که به نفع جامعه است، منتفع کردن جامعه با انجام کارهایی که به شکل دیگری امکان‌پذیر نیست و متعاقباً کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و کاهش هزینه‌ها شود (والهی و احسان‌پور، ۱۳۹۵: ۲۶۸).

با این حال وجود شرایط ذکر شده (رضایت محکوم، اجرا در نهاد پذیرنده و خارج از دستگاه قضا) و نیز قیود ماده ۶۴ (رعایت وضعیت بزه‌کار و نوع بزه و...) حاکی از آن است که کاربست چنین نهادی می‌تواند در مرحله صدور و اجرا با چالش‌هایی روبه‌رو شده و متعاقباً دستگاه قضا و جامعه را از آثار مدنظر محروم نماید.

نگاشته حاضر در پی شناسایی چنین چالش‌های احتمالی است تا از این رهگذر به علت‌شناسی این چالش‌ها نائل شده و راهکارهای کوتاه‌مدت یا زیربنایی خود را ارائه دهد. بدین ترتیب سؤال اساسی پژوهش از این قرار است که «دستگاه قضا در فرایند کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان با چه چالش‌هایی مواجه است؟»

آنچه از پژوهش‌های عمدتاً نظری پیشین برداشت می‌شود، وجود چالش‌هایی در سطوح مختلف بوده است، اما با توجه به شکل گرفتن پژوهش حاضر بر اساس دیدگاه قضات و به عبارتی به‌لحاظ کیفی بودن تحقیق، امکان ارائه فرضیه مشخص وجود نخواهد داشت و در نهایت چالش‌هایی که با اتکا به مصاحبه با کنشگران اصلی استخراج خواهد شد، در نتیجه‌گیری مطرح می‌شود.

در این راستا، پژوهش حاضر طی چهار عنوان پی گرفته خواهد شد. ابتدا با توجه به وجود منابع مشابه در این حوزه و لزوم تبیین تفاوت نوشته حاضر با آثار دیگر، قسمتی به پیشینه پژوهش اختصاص پیدا کرد. سپس با در نظر گرفتن روش تحقیق کیفی استفاده شده، ضروری می‌نمود که قسمتی به‌صورت خاص ذیل عنوان «روش‌شناسی» ارائه شود. بدنه اصلی پژوهش نیز ذیل عنوان «یافته‌های پژوهش» در برگیرنده چالش‌های سطح قضایی در قالب چهار زیرعنوان بیان می‌شود. «نتیجه‌گیری و راهکارها» نیز قسمت پایانی متن پژوهش را به خود اختصاص می‌دهد.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه چندین دهه از کاربرست مجازات خدمات عمومی رایگان در نظام‌های حقوقی می‌گذرد، ادبیات پژوهشی گسترده‌ای در این حوزه^۱ شکل گرفته است. در ادبیات حقوقی ایران نیز از چند دهه گذشته مجازات‌های اجتماع‌محور مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.^۲ با تهیه لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان در سال ۱۳۸۴ و سپس ورود مجازات‌های اجتماع‌محور به ادبیات قانونی ایران، روند پرداختن به این موضوع در کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها شدت گرفت. به‌طور کلی می‌توان در خصوص عمده این آثار چند ویژگی را برشمرد که وجه تمایز آن‌ها با نوشته پیش‌رو محسوب می‌شوند: الف) این پژوهش‌ها عام بوده و جایگزین‌های حبس به‌طور کلی مورد توجه بوده است (اسدی، ۱۳۹۶؛ ب) در این آثار روش نظری حاکم بوده و اکثراً به تاریخچه، مبانی و شرایط حقوقی - تقنینی نظام حقوقی ایران پرداخته شده است. در مواردی که چالش‌های جایگزین‌های حبس مد نظر قرار گرفته است نیز همین جنبه نظری حفظ شده است. به عبارتی نگارنده بر اساس شرایط موجود و شرایط لازم برای اجرای چنین نهادهایی، دست به استنتاج زده است (یکرنگی و ایران‌منش، ۱۳۸۷؛ پ) در پژوهش‌هایی که با رویکردی تجربی به مسئله ورود نموده‌اند (به‌ویژه در مقالات)، روش کمی حاکم بوده است (خاکسار و غلامی، ۱۳۹۷؛ خاکسار و غلامی، ۱۳۹۸). در نتیجه نوشته حاضر از لحاظ موضوع (تمرکز بر چالش‌های سیاست جنایی ایران) و روش پژوهش (مطالعه تجربی کیفی) با بسیاری از آثار پیش از خود متفاوت است.

در این رابطه می‌توان به مقاله «موانع کاربرست مجازات خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران؛ مطالعه کیفی»^۳ به‌عنوان نزدیک‌ترین اثر به نوشته حاضر اشاره کرد؛ زیرا در این مقاله نیز موضوع موانع کاربرست مجازات خدمات عمومی رایگان با نگاهی داخلی مورد بحث قرار گرفته است. به‌علاوه روش تحقیق در این اثر نیز از نوع کیفی است. با این حال در بیان تفاوت‌های مقاله مورد اشاره با متن حاضر باید چند مورد را مطرح کرد:

الف) ابزار گردآوری داده‌ها؛ هرچند هر دو اثر از زمره پژوهش‌های کیفی محسوب می‌شوند، با

۱. این ادبیات پژوهشی را هم در سطح جهانی و هم در ادبیات حقوقی ایران می‌توان شناسایی کرد. با این حال با در نظر گرفتن این نکته که پژوهش حاضر نگاهی داخلی به مجازات خدمات عمومی رایگان داشته و در مقام شناسایی چالش‌های سیاست جنایی قضایی ایران بر اساس نظرات و تجربیات کنشگران همین نظام است، از اشاره به ادبیات پژوهشی خارج از ایران خودداری می‌شود.

۲. به‌عنوان نمونه: رزاقی، ۱۳۷۹ و کاشفی، خالصی، ۱۳۸۰.

۳. این مقاله در شماره ۱۰۷ از دوره ۲۸ مجله مجلس و راهبرد منتشر شده است.

این حال ابزار گردآوری داده‌ها در «مقاله موانع کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران» گروه تمرکزی بوده است. در مقاله مورد اشاره با دعوت از قضات صادرکننده آرای خدمات عمومی رایگان و برگزاری یک جلسه به صورت جمعی، محورهای اصلی مطرح و هر یک از قضات نظرات خود را درخصوص آن مطرح کرده‌اند. با توجه به اینکه این گروه تمرکزی (کانونی) در ۱۲۰ دقیقه برگزار شد و ۱۲ شرکت‌کننده حضور داشتند و البته متعدد بودن محورهای انتخابی (چالش‌های تقنینی، قضایی و اجرایی)، هر یک از شرکت‌کنندگان فرصت کمی برای بیان دیدگاه‌های خود داشته و اشاره‌ای اجمالی به چالش‌های مورد نظر خود داشته‌اند. در حالی که نوشته حاضر با بهره‌گیری از محورهای مطرح‌شده در گروه تمرکزی، ابزار مصاحبه عمیق را مورد استفاده قرار داده است تا مصاحبه‌شوندگان بدون محدودیت‌های حاکم بر گروه تمرکزی (مانند زمان محدود یا ملاحظات سازمانی و تقابل با همکاران)، نظرات خود را آزادانه مطرح کنند. این مصاحبه‌ها تا زمانی که مصاحبه‌شونده تمایل به صحبت و داده‌ای برای ارائه داشت، ادامه پیدا می‌کرد.

ب) گستره موضوع مورد بحث؛ مقاله موانع کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران به تمام چالش‌های کاربست مجازات خدمات عمومی توجه داشته و به محورهای تقنین، قضا، اجر و حتی جامعه‌ی اشاره داشته است. همین گستردگی محورهای مورد بحث، سبب شده است که چالش‌های تقنینی در سه عنوان و به صورت کاملاً مختصر بیان شود، در حالی که برخی از موضوعات مطرح‌شده از جمله «عدم آموزش بهینه...» با داده تجربی مشخصی همراه نشده است. در مقابل پژوهش حاضر تنها چالش‌های قضایی (سیاست جنایی قضایی) را مد نظر قرار داده تا از طریق مصاحبه، داده‌های عمیق‌تری را به دست آورد. بدین دلیل مصاحبه‌های برگزارشده، ضمن تأیید چالش‌های حاصل از گروه تمرکزی، موارد دیگری را نیز ارائه داده‌اند و در هر مورد با گردآوری تعداد نظرات بیشتر، اعتبار موضوعات مطرح‌شده افزایش یافته است.

پ) ضرورت انجام پژوهش؛ همان طور که گفته شد در زمان انجام پژوهش نخست (گروه تمرکزی)، داده‌های تجربی اندکی در حوزه جایگزین‌های حبس وجود داشت و با توجه به گستردگی محورهای لازم به برگزاری چند گروه تمرکزی بود، با این حال، تنها امکان برگزاری یک گروه تمرکزی با تعداد افراد بیشتر (معمولاً کمتر از ۱۰ شرکت‌کننده برای گروه تمرکزی پیشنهاد می‌شود) فراهم شد، که این امر از جمله کاستی‌های آن بوده است. بدین جهت تعمیق بر مسائل مطرح‌شده در گروه تمرکزی و جبران خلأ ناشی از عدم برگزاری گروه تمرکزی بعدی، از روش‌های دیگر ضروری می‌نمود؛ تا بدین جهت امکان تأیید و تقویت یا رد داده‌های حاصل گروه تمرکزی فراهم شود. بر این اساس می‌توان مدعی شد که پژوهش حاضر از نظر ماهیت و محدوده موضوع یا روش

تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها، از سایر آثار شکل گرفته در این حوزه متمایز و دارای ضرورت انجام، بوده است.

۲. روش‌شناسی

روش پژوهش همانند مسیری است که چگونگی رسیدن به مقصد را برای پژوهشگر آشکار می‌سازد؛ به طوری که نادرستی آن ممکن است نتایج دستاوردهای علمی را با چالش روبه‌رو سازد (صادقی، ۱۳۹۸: ۱۳۸). با توجه به نبود داده‌های پیشینی حاصل از دیگر پژوهش‌ها، پژوهش حاضر بر مبنای روش تحقیق کیفی^۱ انجام گرفته است (Tsang; Dian Liu, 2019: 2). تحقیق کیفی عبارت از مجموعه فعالیت‌هایی (چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) است، که هرکدام به‌نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول، درباره موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند (Hegde: 2015: 142).

با توجه به اینکه در این پژوهش چالش‌های کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان در سطح و چهارچوب دستگاه قضا مدنظر است، طبیعی است که قضات (اعم از قضات دادگاه و اجرای احکام)، به‌عنوان گروهی که اضلاع تقنین، قضا و اجرا را به هم متصل می‌کنند، اصلی‌ترین کنشگران در نظر گرفته‌شوند؛ به همین علت قضات، جامعه آماری این پژوهش انتخاب شدند.

در گام بعدی به‌منظور کسب داده‌هایی گسترده در بازه‌ای زمانی کوتاه، گروه تمرکزی^۲ به‌عنوان ابزار اولیه گردآوری داده‌ها انتخاب شد. برای استفاده از ابزار گروه تمرکزی ابتدا باید دو عامل مهم مشخص شود: ۱. محورهای کلی مدنظر در جریان گروه تمرکزی؛ ۲. شرکت‌کنندگان (نمونه پژوهش) با توجه به عامل قبلی^۳.

بدین منظور ۲۰۰ رأی حاوی ضمانت اجرای خدمات عمومی رایگان از سراسر کشور گردآوری شد. این آرا ابتدا پالایش و سپس مورد ارزیابی قرار گرفت. بدین شرح که برخی از آرا به دلایل گوناگون از موضوع مورد نظر خارج و فاقد شرایط ارزیابی بودند. در نهایت از گذر تحلیل محتوای ۱۵۰ رأی نهایی، تلاش شد تا محورهای بحث گروه تمرکزی شکل یابد. همچنین با لحاظ کیفیت آرای صادره از سوی هر قاضی، ۳۶ قاضی گزینش شدند که از این بین ۱۹ قاضی برای برگزاری گروه تمرکزی

1. Qualitative Research

2. Focused group

۳. در طراحی گروه تمرکزی تصمیم در خصوص تعداد گروه‌ها و جلسات نیز حائز اهمیت است؛ با این حال با توجه به محدودیت‌های سازمانی دستگاه قضا و بهره‌گیری از قضات در چندین جلسه، صرفاً به یک گروه تمرکزی با شرکت نفرات بیشتر بسنده شد.

انتخاب و دعوت شدند. این ۱۹ قاضی از ۱۷ استان کشور بودند که سرانجام ۱۲ نفر از این افراد در جلسه مورد نظر اعلام آمادگی کرده و حاضر شدند. سپس داده‌های حاصل از این گروه تمرکزی پیاده‌سازی، کدگذاری و مورد تحلیل قرار گرفت که به موجب آن برخی از چالش‌های کاربست نهاد خدمات عمومی رایگان مورد اشاره قرار گرفت.^۱

با این حال اکتفا نکردن به داده‌های گروه تمرکزی و انجام مطالعات بیشتر و عمیق‌تر ضروری می‌نمود؛ از جمله اینکه به دلیل فقدان داده‌های تجربی پیشینی، گروه تمرکزی با محورهایی عام (چالش‌های تقنین، قضا، اجرا و اجتماعی) برگزار شد. با توجه به محدودیت‌های ذاتی گروه تمرکزی و نیز محدودیت‌های سازمانی شرکت‌کنندگان، امکان اظهارنظرهای مفصل فراهم نشد.^۲ به همین دلیل و به منظور شناسایی چالش‌های احتمالی دیگر و تعمیق داده‌های گردآوری‌شده، مصاحبه با کنشگران بیشتر در دستور کار قرار گرفت.

بدین ترتیب با استفاده از داده‌های گروه تمرکزی پروتکل‌های مصاحبه (نیمه‌ساخت‌یافته) با دقت بیشتری تهیه شد. در این چهارچوب قضات بیشتری مورد شناسایی قرار گرفتند^۳ که ۸ تن از آن‌ها حاضر به همکاری شدند. همچنین از بین شرکت‌کنندگان گروه تمرکزی، با لحاظ دسترس‌پذیری به آن‌ها و تمایل به همکاری مجدد، ۲ تن به عنوان نمونه‌های مصاحبه نیز قرار گرفتند. به علاوه با توجه به اینکه چالش‌های متعاقب صدور حکم (مرحله اجرای حکم) نیز مورد توجه قضات قرار گرفته بود، تلاش شد مصاحبه به این کنشگران نیز انجام شود. در نهایت ۱۳ نفر (۹ قاضی با تجربه صدور رأی، ۱ قاضی بدون سابقه صدور رأی، ۱ قاضی اجرای احکام با تجربه اجرای احکام مورد نظر، ۱ قاضی اجرای بدون تجربه در این زمینه و ۱ رئیس حوزه قضایی که در حوزه قضایی تحت نظارتش چنین آرای صادر شده است^۴) به عنوان نمونه مورد مصاحبه قرار گرفتند.^۵

۱. نتایج حاصل از این گروه تمرکزی در این پژوهش به صورت منتشر شده است: محمدمکوره‌پز و فرجیها و متین پارسا، ۱۴۰۰.

۲. همان‌طور که اشاره شد امکان برگزار چند گروه تمرکزی وجود نداشت. به همین دلیل با لحاظ زمان ۱۲۰ دقیقه‌ای جلسه، با طرح هر محور تعدادی از شرکت‌کنندگان در حدود ۳ الی ۴ دقیقه امکان طرح نظرات خود را داشتند.

۳. منظور از شناسایی در اینجا آن است که علاوه بر کامل بودن مشخصات دادنامه، امکان برقراری ارتباط نیز به طرق مختلف حاصل شده است.

۴. با رئیس حوزه قضایی به عنوان فردی که با بازخوردها و مشکلات صدور چنین احکامی در حوزه قضایی خود مواجه بود، مصاحبه شده است.

۵. با توجه به شیوع بیماری کرونا و محدودیت‌های ناشی از ورود به دادگستری، فرایند مصاحبه‌ها طولانی بود و در

جدول مصاحبه‌شوندگان^۱

مدت مصاحبه (ساعت)	میزان سابقه (سال)	میزان تحصیلات	شعبه	سمت قضایی
۱:۱۵	۱۳	دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی	شعبه ۱۱۴۱ مجتمع قضایی شهید مطهری (تهران)	رئیس کیفری ۲
۱:۱۵	۱۲	دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی	شعبه ۱۰۳ شهرستان سلماس (آذربایجان غربی)	رئیس کیفری ۲
۰:۴۵	۱۲	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	شعبه ۱۰۱ شهرستان خداآفرین (آذربایجان شرقی)	رئیس کیفری ۲
۱:۱۵	۱	کارشناسی حقوق	شهرستان انزلی (گیلان)	قاضی اجرای احکام کیفری
۱:۰۰	۱۸	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	شهرستان انزلی (گیلان)	رئیس دادگستری
۰:۵۰	۱۱	دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	شعبه ۱۰۲ شهرستان لنگرود (گیلان)	رئیس کیفری ۲
۰:۴۵	۸	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	شعبه ۱۰۱ شهرستان لنگرود (گیلان)	رئیس کیفری ۲
۰:۵۵	۱۱	کارشناسی ارشد تجارت بین‌الملل	شعبه ۱۰۱ شهرستان رودسر (گیلان)	رئیس کیفری ۲
۰:۴۵	۹	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	شعبه ۱۰۲ شهرستان رودسر (گیلان)	رئیس کیفری ۲
۰:۵۰	۳	سطح ۲	شهرستان رودسر (گیلان)	دادیار اجرای احکام
۱:۰۰	۳	کارشناسی ارشد حقوق خصوصی	شعبه ۳ دادگاه عمومی بخش سنگر (گیلان)	دادرس محاکم عمومی
۱:۰۰	۲	دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی	شهرستان کامیاران (کردستان)	قاضی اجرای احکام
۱:۳۰	۶	دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی	بخش چهارباغ (البرز)	دادرس دادگاه

سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ انجام شده است.

۱. لازم به توضیح است که با توجه به عدم تمایل برخی قضات به انعکاس رسمی مطالب اظهارشده، ترتیب فوق با شمارگان ذکرشده در متن، یکسان نبوده و صرفاً جهت تنظیم جدول مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین استفاده از شماره در متن جهت اشاره به استفاده احتمالی از ابعاد مختلف اظهارات مصاحبه‌شوندگان است.

عمومی	جرم‌شناسی
-------	-----------

پس از این مرحله و مکتوب نمودن مصاحبه‌ها، تلاش شد تمام داده‌ها کدگذاری محتوایی گردند.^۱ پس از کدگذاری اولیه ۱۳ مصاحبه انجام شده، ۴۳۶ کد به دست آمد. سپس متن اولیه مرور گردید تا اطمینان حاصل شود غفلتی در برجسته کردن گفته‌های اساسی صورت نگرفته است. در گام بعدی جهت استخراج مفاهیم، کدهای باز (کدهای ابتدایی) بررسی شده و کدهای محوری استخراج شدند. سپس در قدم بعدی از تحلیل و ترکیب این کدها، مقوله‌های نهایی (کدهایی گزینشی) به دست آمدند که نتایج حاصل از این کدگذاری و سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها در قسمت بعدی و در قالب یافته‌های پژوهش تشریح می‌شود.

۳. یافته‌های پژوهش

داده‌های مصاحبه‌های انجام گرفته حاکی از آن بوده است که کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان به‌عنوان یکی از مجازات‌های اجتماع‌محور در سطح قضایی و در چهارچوب دستگاه قضا نیز با چالش‌هایی مواجه است. پاره‌ای از این چالش‌ها مرتبط با مقام قضایی بوده است و برخی با ساختارهای کلی دستگاه قضا. دسته‌ای از موارد بیان شده از سوی قضات ماهیتی عینی و ملموس داشته و گروهی از چالش‌های دیگر ذهنی هستند. به‌علاوه تعدادی از چالش‌های شناسایی شده با صرف زمان زیاد برطرف خواهند شد و برخی موارد نیز دارای راهکارهای کوتاه مدت هستند. نتیجه آنکه مجموع موارد یاد شده ذیل چهار عنوان گردآوری شده‌اند:

۳-۱. عدم تسلط قضات بر ابعاد فنی نهادهای نوین کیفری

عدم آشنایی قضات با مفهوم، اهداف و حتی ابعاد فنی نهادهای نوین کیفری از نخستین چالش‌هایی است که دستگاه قضا با آن روبه‌رو است (خاکسار و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۵۳) و در کوتاه‌مدت نیز قابل برطرف شدن خواهد بود. هرچند بخشی از این چالش ریشه در ابهامات تقنینی دارد،^۲ اما بخش اعظمی از مشکل را باید در درون دستگاه قضا جست‌وجو کرد. نتایج تعدادی از مطالعات انجام گرفته در این حوزه یکی از دلایل عدم محکومیت به خدمات

۱. کدگذاری در این پژوهش به صورت دستی و بر روی متن‌های چاپ‌شده بوده و استفاده نرم‌افزار MAXQDA به صورت جانبی به‌کار گرفته شده است.

۲. این چالش‌ها هم در مرحله صدور حکم و هم در متعاقب صدور قابل شناسایی است؛ از جمله امکان صدور دو نوع مجازات خدمات عمومی رایگان، عدم وجود سازکار مناسب جهت هماهنگی بین دادگستری و نهادهای پذیرنده، بیمه نبودن محکومان به خدمات عمومی در صورت بروز حادثه، عدم تعیین ضمانت‌اجرا برای نهاد پذیرنده در صورت عدم اجرای وظایف محوله و ... (مؤذن‌زادگان و متین پارسا، ۱۴۰۰: ۳۷۲ و ۳۷۳).

عمومی رایگان را عدم تسلط کافی قضات بر سازوکارهای کاربری این نهاد معرفی کرده‌اند (محمدکوره‌پز و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۲۸).

به‌عنوان نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ که علی‌رغم تمایل به استفاده از پاسخ‌های نوین کیفی، تجربه صدور حکم به هیچ‌یک از مجازات‌های جایگزین را نداشت، علت را نداشتن ایده‌ای در ارتباط با صدور مجازات‌های نوین دانست و بیان نمود در صورتی که الگویی برای صدور چنین احکامی داشته باشد، در آرای خود از چنین ضمانت‌اجراهایی استفاده خواهد نمود.

در تکمیل نظر فوق می‌توان به عقیده یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۱) اشاره نمود که بیان داشت: «... یک مورد دیگر [که باعث عدم استفاده قضات از مجازات خدمات عمومی می‌شود]، اینکه قضات خیلی آشنایی ندارند. چون وقتی در این زمینه کار نکرده باشد، نمی‌داند جایگزین حبس چیست و شرایط چیست و چگونه باید رأی صادر کرد. یکی از همکارانی که به تازگی از دادسرا/به دادگاه/ آمده بودند، از سؤال‌هایی که می‌پرسید مشخص بود که هیچ‌گونه آشنایی با این نهادهای جدید ندارد.» همین شخص در ادامه از این امر صحبت نموده است که در کشورهای غربی راهنمایی به‌صورت کتابچه یا سامانه‌ای در اختیار قضات قرار داده شده است که آن‌ها را در امر تصمیم‌گیری متناسب (تناسب خدمات عمومی با شرایط مطروحه) یاری می‌دهد.

پیامدهای ناآشنایی یا آشنایی نادرست و ناکافی قضات با نهادهای نوین حبس‌زدا که گاه ناشی از حجم کاری زیاد و برگزار نشدن دوره‌های آموزشی کافی^۱ و در مواردی کم‌توجهی قضات به مفاد و مفاهیم قانونی است (میرخلیلی و یعقوبی، ۱۳۹۶: ۱۱۷)، در دو سطح بروز می‌کند؛ نخست عدم صدور حکم به خدمات عمومی رایگان و نهادهای مشابه (تأثیر کمی) و دوم، صدور آرای که با مفهوم و مفاد قانون سازگار نیست (تأثیر کیفی). در خصوص مورد دوم می‌توان به آرای اشاره نمود که رأی صادره با مفهوم رایج خدمات عمومی رایگان (کار عام‌المنفعه) سازگاری ندارد؛ زیرا قدر متیقن اصطلاح مجازات خدمات عمومی رایگان اعمالی را در بر می‌گیرد که نفعی را به کلیت جامعه برساند (نه مستقیماً بزه‌کار یا بزه‌دیده) و همچنین علاوه بر رایگان بودن برای نهاد پذیرنده، متضمن پرداخت پول (یا هر مابه‌ازای مادی دیگر) از سوی محکوم نباشد. در حالی که در برخی از آرا، قضات (گاه

۱. بنا بر یافته‌های پژوهش صورت گرفته توسط یکی از نهادهای زیرمجموعه قوه قضائیه، ۱۲ درصد از قضات دادگاه‌های کیفی تهران به مواد قانونی تسلط نداشته‌اند و در هر مورد ناگزیر به قانون مراجعه می‌کند. به گفته خود قضات مورد مصاحبه مهم‌ترین دلیل این عدم تسلط بر متن قانون حجم کاری زیاد و نداشتن فرصت کافی جهت مطالعه بوده است (ریاحی، ۱۳۹۵: ۵۴).

خدمت عمومی) باشد. ۳- از مجموع مفاد مواد ۶۴، ۸۴ (به خصوص تبصره ۲ و ۳ این ماده) و نیز مفاد آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ چنین برداشت می شود که قاضی باید خدمت عمومی مورد را نیز تعیین کند و واگذر کردن این وظیفه به نهاد پذیرنده، ماهیت رأی را خدشه دار می کند؛ ۴- به موجب ماده ۴۹ قانون حمایت از خانواده، مجازات قانونی عمل ارتكابی مشمول بنده «ب» ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی بوده و حداقل مجازات خدمات عمومی ۲۷۰ ساعت خواهد بود. به این ترتیب در صورت شاغل بودن مرتکب (در متن دادنامه مشخص نشده است) دست کم ۶۷ روز و در صورت شاغل نبودن دست کم ۳۴ روز برای تکمیل خدمت عمومی زمان لازم است که زمان معین شده در دادنامه تطابق ندارد.^۱

در این خصوص مصاحبه شونده شماره ۱۰ بیان کرده است: «اعتقاد من این است که فرهنگش وارد سیستم قضایی ما نشده است. هرچند مردم پذیرای آن هستند... فرهنگ سازی درستی نشد، قضات ابتدا اصلاً بلد نبودند این رأی را چطور باید صادر کنند؛ یعنی یکی از مشکلات عمده این بود که نمونه رأی نداشتند، البته بعداً یک سری نمونه رأی ارسال شد. آیین نامه ای که تصویب شد هم به نظر خیلی کارساز نبود. کلاس های آموزشی که باید برگزار می شد، نبود یعنی همان فرهنگ سازی که یک قسمتش اسناد قانونی است که باید آماده بشود و مقام قضایی بداند اختیاراتش، چهارچوب وظایفش چیست و نهادهای پذیرنده این خدمات را شناسایی کند و بتواند رأی را صادر کند و حکم را اجرا کند. یک بحث هم همان بحث های آموزشی است که قاضی فارغ از این اسناد، آموزش ببیند که چگونه رأی صادر کند، نهادهای تشویقی در نظر گرفته شود...».

نتیجه آنکه نبود آموزش کافی و مناسب از سوی دستگاه قضا و متعاقباً عدم تسلط کافی قضات

۱. در این رابطه اشاره به نظرات یکی از قضات در مصاحبه انجام شده در پژوهشگاه قوه قضاییه نیز می تواند روشن گر باشد: «...یک چیزی به وجود آمده است که قوانین ما خیلی فنی شده است؛ یعنی اگر می خواهید یک حکمی را تشخیص دهید، اولاً پرونده را باید بخوانید، موضوع را بفهمید، حکم هم تشخیص دهید، تطبیق دهید، حالا به نتیجه رسیدید و می خواهید تصمیم بگیرید؛ سراغ قوانین کیفری می روید، انبوهی از قوانین کیفری جلوی شماست که درجات را باید تشخیص دهید، ببینید آیا این مشمول آن قانون می شود؛ شرایط مختلف را باید بررسی کنید و بعد حکم صادر کنید. اگر تنوع وجود داشته باشد، نباید قوانین تا این میزان تکنیکال شود... این هشت درجه در کنار سایر شرایطی که برای هرکدام از نهادهای جرم شناختی پیش بینی شده است، باعث می شود انقدر کار سخت شود که در ارزیابی بیان کار مجازات های جایگزین می بینیم که یکی از عمده ترین دلایلی که قضات سراغ آن نمی روند این سختی صدور آرا است» (سلسله نشست های تدوین سند جامع اصول راهبردی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰: ۳۸).

با نهادهای نوین کیفری علاوه بر کاهش میزان صدور حکم به مجازات خدمات عمومی^۱ و دیگر نهادهای اجتماعی نوین، منجر به صدور آرای است که با پیش‌شرط‌های این نهاد سازگار نبوده و در نتیجه امکان اثربخش بودن را ندارند.

۲-۳. حبس‌گرایی حاکم بر دستگاه قضا

توانایی و سپس تمایل مقامات قضایی اندیشه کیفری قانون‌گذاران را به سرانجام می‌رساند و در صورت نبود چنین تمایلی، صرف وجود قانونی متروک که نبودش آن‌چنان ملموس نباشد، نه در حکمت شارع است و نه شایسته قضات و نه مفید هیچ فایده‌ای. لذا با قبول این فرض منطقی که مقنن در هر نظام کیفری پس از بررسی همه‌جانبه کلیه جوانب مبادرت به وضع قوانین نموده، این نتیجه که قضات باید از این نهادها استفاده کاربردی کامل نمایند، منطقی‌ترین نتیجه ممکن است (پورقهرمانی و نگهدار، ۱۳۹۷: ۲۳۴). از منظر جامعه‌شناسی، دو مقوله تفکر حاکم بر دستگاه قضایی و نوع نگرش قضات می‌تواند در کاربست نهادهای کیفری نوین مؤثر باشد (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۹۳: ۱۵۷). بروز آثار این دو مقوله را می‌توان از دو جنبه بر صدور مجازات خدمات عمومی رایگان مشاهده نمود. از یک سو به عقیده برخی قضات، نهادهایی از سنخ خدمات عمومی رایگان اساساً مجازات نبوده و با ویژگی سزادهی و اصلاحی کیفر هم‌خوانی ندارد؛ نتیجه آنکه این گروه تمایلی به استفاده از چنین ضمانت‌اجراهایی نیز نخواهند داشت (ناظرزاده کرمانی و امامی غفاری، ۱۳۹۳: ۱۷۱ و ۱۷۲).

چنین باوری در نظرات بیان‌شده از سوی برخی مصاحبه‌شوندگان به خوبی بازتاب یافته است. به‌عنوان مثال به باور مصاحبه‌شونده شماره ۴: «اگر شخصاً نظر من را بپرسند، خیلی / به چنین مجازات‌هایی / اعتقاد ندارم؛ چون به نظرم مجازات چنان باید اجرا شود که بعد از اجرا، اگر / مجرم / به فکرش هم افتاد، هیمنه آن / مجازات / از تکرار منصرفش کند». به عقیده یکی دیگر از

۱. به عنوان مثال بر اساس داده‌های پژوهشی که در سال ۱۳۹۶ بر روی آرای صادره از دادگاه‌های کیفری (بدوی و تجدیدنظر) استان تهران (۱۳۹۶-۱۳۹۳) صورت گرفته است، از میان ۲۰۰ رأی صادره (در محدوده جرایم مشمول مجازات‌های جایگزین) تنها ۶ مورد خدمات عمومی رایگان در نظر گرفته شده است (خاکساری و غلامی، ۱۳۹۸: ۲۶).

همچنین بنا بر گفته یکی از شرکت‌کنندگان در کارگروه تشکیل‌شده توسط معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۲۵ متشکل از ۱۸ نفر از قضات دادگاه‌های کیفری که حکم به مجازات خدمات عمومی صادر کرده بودند، تعداد آرای مجازات خدمات عمومی رایگان در شهر تهران در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶، صفر بوده و در شهرستان‌های تهران نیز در هر دو سال تنها ۴ رأی وجود داشته است.

مصاحبه‌شوندگان (شماره ۹) نیز «به‌طور کلی این قوانین مشکلات را افزایش داده است. هدف از مجازات‌بازدارندگی است، در این قوانین بازدارندگی نمی‌بینیم... قوانین فعلی بزه‌پرور یا بزه‌کار پرور است؛ یعنی بزه را تشویق می‌کند».

از سویی دیگر گروهی از قضات با وجود آگاهی از یافته‌های جرم‌شناسانه و کیفرشناسانه درخصوص مزایای نهادهای کیفری نوین و نیز هزینه‌های زندان و تمایل به استفاده از ضمانت‌اجراهای کیفری اجتماع‌محور، به دلیل بازخوردهای رسمی و غیررسمی درون‌سازمانی، از گام برداشتن در این حیطه خودداری نموده و یا در کمترین سطح ممکن از چنین ابزاری استفاده می‌نمایند (محسنی و رحیمیان، ۱۳۹۶: ۷۰ و ۷۱).

چنین امری از داده‌های گردآوری‌شده نیز قابل‌برداشت است. مصاحبه‌شونده شماره ۳ تأثیر دیدگاه سایر مقامات مناصب قضایی به‌خصوص احتمال نقض رأی از سوی دادگاه‌های تجدیدنظر را چنین بیاد کرد: «به نظر من حالا که قانون‌گذار این نهادها را در نظر گرفته است، قضات باید از این نهادها استفاده کنند، اما بعضی از قضات ما به‌خصوص قضات تجدیدنظر ذهنشان با قانون قدیم شکل گرفته است. خیلی از این قضات با نهادهای جدیدی که در قانون آیین دادرسی و قانون مجازات جدید پیش‌بینی شده است، مخالف هستند.»^۱

اهمیت نوع نگرش و رویکرد دیگر مناصب قضایی را می‌توان با دقت در ماده ۷ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها^۲ (مصوب ۱۳۹۸/۰۵/۳۱) به‌نحو آشکارتری

۱. این نتایج در پژوهشی دیگر که با روش گروه تمرکزی انجام شده است نیز قابل مشاهده بوده است. در این پژوهش به عقیده یکی از مصاحبه‌شوندگان «اگر بیاید به سمت جایگزین‌ها، گفته می‌شود ملایم است و قاضی ملایم در بعضی موارد به درد دستگاه قضایی نمی‌خورد». همچنین به نظر مصاحبه‌شونده‌ای دیگر: «قاضی وقتی می‌خواهد رأی بدهد، تبعاتش را در نظر می‌گیرد. متأسفانه سیستم‌های نظارتی ما به اینگونه برداشت می‌کنند که این قاضی عمداً به سمت یکسری از گرایش‌ها می‌رود...» (محمدکوره‌پز و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۳۰).

۲. ماده ۷: «در اجرای قوانین و مقررات راجع به حبس‌زدایی و استفاده از تأسیسات حقوقی مفید از قبیل تعویق صدور حکم، تخفیف مجازات و معافیت از آن، نظام نیمه آزادی و مجازات‌های جایگزین حبس لازم است: الف - قضات محاکم از صدور حکم به مجازات حبس در مورد افراد واجد شرایط مجازات‌های جایگزین حبس اجتناب نمایند؛

ب - رؤسای کل دادگستری استان‌ها و دادستان‌ها مراقبت نمایند تا با استفاده از ظرفیت‌های قانونی در خصوص قرارهای تأمین کیفری و مجازات جایگزین حبس، تا حد امکان از ورود افراد کمتر از هجده سال سن، افراد فاقد پیشینه کیفری و زنان به زندان جلوگیری شود؛

مشاهده کرد. به موجب این ماده، حرکت دستگاه قضا در مسیر سیاست‌های تقنینی دایر بر حبس‌زدایی با نظارت و هدایت رؤسای دادگستری، دادستان‌ها و قضات تجدیدنظر قابلیت تحقق دارد. اگر قضات نگرش مثبتی به پاسخ‌های کیفری اجتماع‌محور نداشته باشند، نه تنها در راستای هدف فوق مؤثر نخواهند بود، بلکه می‌توانند نوعی مانع نیز محسوب شوند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱ نیز در کنار مؤثر دانستن عوامل متعدد بر تصمیم‌گیری قضایی از جمله تحصیلات و بسترهای فرهنگی، بیان نمود: «بسیاری از افرادی که جایگزین حبس نمی‌دهند، به این دلیل هست که در واحد اجرای احکام مشغول نبوده و با شرایط زندان آشنایی ندارند. این ممکن است باعث شود فرد خیلی سزاگرا بشود... به همین دلیل یکی از دلایلی که بعضی قضات جایگزین حبس نمی‌دهند این است که اصلاً زندان را ندیده‌اند، موقعیت زندان را نمی‌دانند، نمی‌دانند چه اتفاقاتی در زندان می‌افتد. که اگر مطلع بودند شاید نوع احکام‌شان خیلی متفاوت بود.»

نظرات بیان‌شده را می‌توان بدین شکل چهارچوب‌بندی نمود که حبس‌گرایی به‌عنوان یکی از الگوهای تصمیم‌گیری حاکم بر دستگاه قضا، مانعی با تأثیر زیاد در مقابل صدور مجازات خدمات عمومی و پاسخ‌های کیفری مشابه خواهد بود. براینکه این نظرات حاکی از آن است که سیاست حبس‌زدایی که مسئولین دستگاه قضایی در اشکال مختلف، بارها آن را مورد تأکید قرار داده‌اند، در میدان عمل، با ضعفی آشکار مواجه است. گویی برای سیاست‌گذاران نظام قضایی، حبس‌زدایی در حد نظری مطلوب است و عملیاتی کردن آن، جذابیت چندانی ندارد (پورمحمی‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۵).

حبس‌گرایی به‌عنوان الگوی درونی بر نگرش بسیاری از قضات حاکم بوده و سبب می‌شود، این افراد به سودمند بودن ضمانت‌اجراهای کیفری نوین باور نداشته و در آرای خود از آن‌ها استفاده نکنند. همچنین حبس‌گرایی به‌عنوان الگوی بیرونی تصمیم‌گیری قضایی، باعث می‌شود قضاتی که به سودمند بودن نهادهایی مانند خدمات عمومی باور دارند، با اعتقاد به چیرگی رویکرد تنبیهی - کیفری بر دستگاه قضا (ناظرزاده کرمانی و امامی غفاری، ۱۳۹۳: ۱۷۴) بازخورد (رسمی و غیر رسمی)

پ- محاکم تجدیدنظر در رسیدگی به اعتراض نسبت به احکام مشتمل بر مجازات حبس، سیاست‌های تقنینی دایر به حبس‌زدایی را مورد توجه قرار دهند.

تبصره - رؤسای کل دادگستری استان‌ها ضمن نظارت بر نحوه بکارگیری ظرفیت‌های قانونی در راستای حبس‌زدایی توسط قضات و ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه به آنان، برنامه‌ریزی نمایند تا حداقل پانزده درصد آرای صادره از محاکم کیفری متضمن مجازات جایگزین حبس باشد.»

همکاران خود را سنجیده و متأثر از معیارهای رویه‌ای، تمایل خود برای صدور حکم محکومیت به چنین مجازات‌هایی را از دست بدهند.^{۱ و ۲}

۳-۳. مدیریت‌گرایی حاکم بر دستگاه قضا

نظام عدالت کیفری ایران در مواجهه با بحران ناشی از تورّم کیفری که به‌عنوان یکی از آسیب‌های نظام کیفری شناخته شده است (نوبهار، ۱۳۹۰: ۹۲)، در وهله نخست راهی جز اولویت‌بخشی به ارزش‌هایی نظیر سرعت، مدیریت منابع محدود و افزایش بهره‌وری، فراروی خود ندیده‌اند. این امر دستگاه مذکور را به‌سوی مدیریت‌گرایی کیفری سوق داده است که عبارت است از افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های رسیدگی کیفری (قاسمی کهریزسنگی و فرجیها، ۱۳۹۴: ۴۱). در این معنا، تأکید بر افزایش خروجی، مختومه‌محوری و آمارگرایی که بارزترین نمادهایی کارایی‌اند، از نتایج جدایی‌ناپذیر مدیریت‌گرایی خواهند بود و منظور از آمارگرایی یا کمیت‌گرایی قضایی، سنجش عملکرد قضات بر اساس معیارهای کمی و کم‌توجهی یا بی‌توجهی به معیارهای کیفی است.

این پدیده که بارها از سوی سران دستگاه قضا بر لزوم دوری از آن تأکید شده است،^۳ همواره از طریق سیاست‌هایی مانند تأکید بر جلوگیری از اطاله دادرسی و کاهش سرعت رسیدگی، کاهش میزان پرونده موجود، تعیین حداقل پرونده مختومه برای شعب در هر ماه و پرداخت مبالغی به ازای مختومه نمودن هر پرونده مازاد بر حداقل یا کاهش میانگین پرونده موجود در شعبه نسبت به سال قبل و همچنین لحاظ شدن امتیازی منفی در صورت تأمین نمودن میزان تعیین شده،^۴ موجب تقویت

۱. در ارتباط با الگوهای تصمیم‌گیری قضایی، مراجعه کنید به: منصورآبادی و یاوری و شیدانیان و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۶.
 ۲. در نظام‌های حقوقی مختلف عواملی به‌عنوان موانع مجازات‌های اجتماع‌محور در نظر گرفته شده‌اند که ابتدائی‌ترین و رایج‌ترین آن‌ها را می‌توان برداشت عمومی و رسانه‌ای از این نوع پاسخ‌های کیفری دانست که عموماً اهداف مجازات را (در پایین‌ترین سطح) از طریق حبس قابل برآورده شدن می‌دانند (Worrall & Hoy, 2005: 11). مطالعات گوناگون مؤید اثرگذاری این متغیر بر تصمیمات قضات است، با این‌وجود به دلیل عدم ارتباط مستقیم این عامل با دستگاه قضا، در این مقاله به آن پرداخته نشده است.

۳. به‌عنوان مثال می‌توان به سخنان رئیس قوه قضائیه در دیدار قضات و کارکنان دستگاه قضائی استان قم در مرکز آموزش قوه قضائیه قم (۱۳۹۸/۳/۸) اشاره نمود که بیان داشت: «آمار و ارقام مهم است ولی نباید به‌تنهایی در ارزیابی مورد توجه قرار بگیرد و نباید به آفت آمارگرایی دچار شویم؛ در عدلیه نباید کیفیت فدای کمیت و آمار شود و باید بهره‌وری حقیقی مورد توجه قرار گیرد.»

<https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3531164>

۴. از جمله می‌توان به «دستورالعمل پرداخت فوق‌العاده بهره‌وری قضات و اضافه‌کار کارمندان حوزه‌هایی قضایی» مصوب ۱۳۹۶/۳/۱۰ توسط رئیس وقت قوه قضائیه اشاره نمود که در بندهای الف، ب و پ ماده ۲ آن، از جمله عوامل

آمارگرایی بوده است.

در ارتباط با مجازات خدمات عمومی رایگان داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام‌گرفته حاکی از تأثیرگذاری مستقیم آمارگرایی بر این مجازات است.^۱

این امر از سوی شرکت‌کننده شماره ۵ در گروه تمرکزی چنین مطرح شد: «خدمات عمومی رایگان موضوع جدید هست که رویه شده که قضات حکم به حبس بدهند یا جزای نقدی. خدمات عمومی رایگان موضوع جدیدی هست. با توجه به اینکه پرونده‌ها هم زیاد هست، یک همکاری باید تأمل بکند، فکر کند چه خدمتی ارائه بدهد که این امر یک مانعی هست. به عبارتی فرصت کافی برای همکاران در این خصوص ایجاد نشده است».

شرکت‌کنندگان ۲ و ۱۰ نیز بر این مطلب به بیان زیر صحنه گذاشتند:

«واقعاً کسی که به عنوان قاضی دادگاه می‌خواهد به جایگزین حبس حکم کند هم باید نوآوری و ابداع خاصی داشته و هم باید وقت قابل توجهی داشته باشد. شما برای یک جرم ساده مثل رانندگی بدون گواهی نامه، باید یک رأی صادر کنید. قضاتی که جایگزین صادر می‌کنند، وقتی که می‌گذارند در نظر بگیرد و قضاتی که جزای نقدی یا حبس صادر می‌کنند. من فکر می‌کنم ظرف ۵ دقیقه یک پرونده این چنینی جمع خواهد شد. در جایگزین این‌گونه نخواهد بود، چون برای این رأی باید فکر باشد، باید بحث سنخیت و شخصیت رعایت شود، اگر می‌خواهید کار اصولی انجام بدهید».

«...قضات ما درگیر پرونده‌هایی هستند که هر روز به تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. اشاره فرمودند پرونده‌ای را که با ۵ دقیقه می‌توانند روشن بکنند و نیازی به گرفتن رضایت شاکی نیست، صرفه ندارد برای قاضی که بنخواهد آخر ماه عملکرد اداری بدهد. یک موضوعی که باید در این حوزه قرار بگیرد اینکه... چند تا پرونده مختومه داشته‌ای و چند پرونده جایگزین حبس».

این موضوع در مصاحبه‌های انجام‌شده نیز مورد اشاره بوده است. به بیان یکی از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۷): «مجازات‌های مثل خدمات عمومی رایگان نیازمند صرف زمان زیادی

مؤثر در سنجش و محاسبه فوق‌العاده بهره‌وری کلیه قضات و کارمندان دادرها، دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر سراسر کشور، میزان مختومه نمودن پرونده‌های شعب، نگه داشتن سطح و کاهش موجودی شعبه به منظور جلوگیری از افزایش آمار پرونده‌های مانده و کاهش زمان رسیدگی در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال به موجب ردیف ۱۴ از جدول شماره ۱ این دستورالعمل، نصاب پرونده برای دادگاه کیفری دو [یک قاضی، یک مدیر دفتر و دو کارمند]، مختومه نمودن حداقل ۱۰۰ و حداکثر ۲۰۰ پرونده است و در صورتی که پرونده مربوط به سال جاری یا سال ماقبل باشد به ازای هر پرونده مازاد بر حداقل، صد هزار ریال به افراد مشغول در شعبه پرداخت خواهد شد.

۱. در این زمینه می‌توان به داده‌های این پژوهش نیز مراجعه نمود: محمدیان پهنوار، ۱۳۹۶.

هست. قاضی باید جنبه‌های مختلفی را برای رأی متناسب در نظر بگیرد و به‌علاوه باید با یک نهاد پذیرنده هماهنگ کند. وقتی قضات ما درگیر پرونده‌هایی هستند که هر روز به تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، نمی‌توان انتظار داشت به‌جای چند دقیقه، چند ساعت وقت صرف کنند و یک رأی خدمات عمومی رایگان بدهند».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۶) که اتفاقاً خود از قضات صادرکننده چنین آرای بوده است، بیان داشت که: «... به‌دلیل طولانی شدن روند اجرای حکم و سیاست آمارگرایی، قطعاً قضات اجرای احکام از اجرای چنین احکامی خشنود نمی‌شوند؛ چراکه پرونده مدت مدیدی در شعبه اجرا جهت اجرای حکم مفتوح می‌باشد».

آنچه در ارتباط با نظر فوق جلب توجه می‌کند آن است که آمارگرایی حاکم بر مرحله اجرا، مورد توجه قضات صادرکننده نیز قرار داشته و بر نحوه تصمیم‌گیری آن‌ها تأثیرگذار است.

همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۵ با اشاره به طولانی بودن زمان انشای چنین آرای به‌نحو دیگر چالش آمارگرایی را مورد اشاره قرار می‌دهد: «یکی از دلایلی که قضات محترم دادگاه‌ها به اصدار چنین آرای رغبت ندارند طولانی شدن رأی و زمان نوشتن آن می‌باشد. از طرفی اجرای بعضی آراء علی‌رغم استقبال محکومین، مانند درخت‌کاری مستلزم فرا رسیدن زمان خاصی می‌باشد (اسفند ماه) در حالی که این رأی مثلاً در تیر ماه صادر شده و این مطلب می‌تواند از چالش‌های اجرا نیز باشد و شخص بنده بیشتر از مجازات نقدی به‌عنوان جایگزین حبس استفاده می‌نمایم».

سرانجام به نظر یکی از قضات اجرای احکام (شماره ۱۲) می‌توان اشاره نمود که آمارگرایی را هم در مرحله صدور و هم اجرا تأثیرگذار دانسته است. به عقیده او: «به‌طور کلی دادگاه‌ها حدود نود و نه درصد مجازات‌های جایگزین حبس را جزای نقدی حکم می‌کنند... یکی از دلایل زمانی هست که از قاضی می‌گیرد برای تعیینش. ما هم نمی‌توانیم بگوییم از اصدار چنین آرای خوشحال می‌شویم... این پرونده‌ها در طول فرایند اجرا از آمار شعبه کسر نمی‌شوند؛ یعنی اگر چند قاضی بخواهند هر کدام در ماه فقط ده مورد مجازات از این نوع / خدمات عمومی رایگان و مشابه / بدهند یک بحرانی ایجاد

۱. این مصاحبه در آبان ماه ۱۳۹۸ انجام شده که از زمان تصدی مصاحبه‌شونده به‌عنوان قاضی اجرای احکام هفت ماه می‌گذشته است. در این بازه زمانی تنها ۳ رأی در چارچوب خدمات عمومی صادر شده بوده است که هیچ کدام از آن‌ها خدمات عمومی رایگان به‌عنوان جایگزین حبس نبوده است؛ با این حال با توجه به اینکه برای قضات اجرای احکام، تفاوتی در اجرای خدمات عمومی به‌عنوان مجازات اصلی، تکمیلی یا جایگزین وجود ندارد، نظرات ایشان نیز مورد توجه قرار گرفت.

می‌شود. اصلاً باید یک شعبه مستقل برایش ایجاد کنند.»

بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که مدیریت‌گرایی و به تعبیری آمارگرایی حاکم بر نظام ارزیابی دستگاه قضا، از عمده‌ترین چالش‌های پیش‌روی قضات جهت کاربست نهادهای نوین است. این چالش را می‌توان در دو سطح صدور حکم و اجرای آن شناسایی کرد.

قضات صادرکننده حتی در صورتی که به مفید و مؤثر بودن این واکنش کیفری باور داشته باشند، از یک‌سو با توجه به نرخ بالای پرونده‌های ورودی و ارزیابی کمی از عملکردشان، فرصت و احتمالاً انگیزه کافی برای چنین احکامی ندارند؛ زیرا تعیین خدمت عمومی رایگان با توجه به ضرورت لحاظ نمودن عوامل گوناگون از جمله حرفه و تخصص احتمالی بزهکار، جرم ارتكابی، شرایط شغلی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و نیز هماهنگی با نهادهای پذیرنده، نیازمند صرف زمان قابل توجهی خواهد بود (محمدیان پهنوار، ۱۳۹۶: ۱۵۰). از سوی دیگر قضات صادرکننده با آگاهی از مشکلات حاکم بر مرحله اجرا که از مهم‌ترین آن‌ها عدم کسر پرونده از آمار شعبه در طی فرایند طولانی اجرای مجازات است، از صدور مجازات خدمات عمومی خودداری می‌نمایند. بدین ترتیب قضات صادرکننده با آگاهی از اثرگذاری مشکل آمارگرایی بر عملکرد قضات اجرای احکام، تلاش می‌کنند که در مرحله صدور حکم به‌گونه‌ای عمل نمایند تا باری دوجندان را بر دوش همکاران خود تحمیل نکنند.

در این خصوص هرچند در نگاه نخست می‌توان فراهم نبودن بسترهای لازم را عامل ایجاد چنین چالشی معرفی نمود، اما در نگاهی کلان‌تر باید از هدف‌گذاری نامتناسب از سوی سیاست‌گذاران قضایی از جمله قانون‌گذار صحبت به میان آورد. بدین بیان که قانون‌گذار در راستای سیاست‌های کلان قضایی و به‌منظور کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها به استفاده از ابزاری نوین در قالب مجازات‌های حبس، متوسل شده است. با این حال دست‌کم مجازات خدمات عمومی رایگان به‌عنوان مجازاتی مستقل که هدف و ماهیت اصلی آن بازاجتماعی نمودن مرتکب بوده و کاهش جمعیت زندان می‌تواند از نتایج جانبی آن باشد، تنها در صورتی (به شکلی درست و مؤثر) به اجرا در خواهد آمد که دستگاه قضا به دور از اندیشه‌های مدیریت‌گرایی و با فرصت و امکانات کافی به سراغ این پاسخ کیفری برود؛ در غیر این صورت باید انتظار ایجاد چرخه‌ای معیوب را داشت؛ آن‌چنان‌که نظرات بیان‌شده را می‌توان مؤید تحقق این امر در دستگاه قضای ایران دانست.

۳-۴. کامل نبودن زیرساخت‌های ابزاری

فراهم نبودن بسترهای فرهنگی و آموزشی و نیز رویکردهای نادرست جهت حل مشکلات دستگاه قضا به‌ویژه در ارتباط با مجازات‌های نوین که اقتضانات خاص خود را دارد، از چالش‌های

ریشه‌ای اجرایی نشدن چنین ضمانت‌اجراهایی خواهد بود (پولادمست سرابی نژاد، ۱۳۹۶: ۱۰۱ و ۱۰۲). با این حال در صورت تصمیم به استفاده بیشینه از توان پاسخ‌های کیفی نوین، امکاناتی از جنس مادی و ابزاری نیز مورد نیاز است که صرفاً با پرداخت هزینه و عموماً در بازه زمانی کوتاه قابل دسترسی است.

در این ارتباط نیز داده‌های مصاحبه‌های انجام گرفته بیان‌گر این مطلب است که اعتقاد قضات به فراهم نبودن این‌گونه از بسترها (با وجود باور به مفید بودن مجازات خدمات عمومی رایگان در ماهیت خود) مانعی در صدور چنین آرای به حساب خواهد آمد که جهت نگاهی جزئی‌تر، داده‌های مورد نظر طی دو عنوان بیان می‌گردند.

۱-۴-۳. کامل نبودن زیرساخت‌های ابزاری صدور حکم

آشکار است که به‌منظور ترغیب قضات به استفاده از نهادهای نوین کیفی، فراهم نمودن ابزارهای لازم جهت حکم به چنین نهادهایی نیز ضروری است (زینالی، ۱۳۸۴: ۳۴). با این حال تعدادی از مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره نموده‌اند که در هنگام صدور رأی امکان بررسی مواردی که در صدر ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است و احراز آن‌ها جهت صدور تعیین مجازاتی متناسب و مؤثر ضروری است،^۱ امکان‌پذیر نمی‌باشد.^۲ به‌عنوان نمونه، به عقیده مصاحبه‌شونده شماره ۱ «... ما تعاملی با هیچ جایی نداریم. در خیلی از پرونده‌ها هیچ مشاوره نداریم که ما را راهنمایی کند. من قصد دارم خدمات عمومی بدهم اما می‌خواهم این خدمات عمومی با شخصیت و جرم و وضعیت خانوادگی مجرم همانگ باشد. این را چجوری تشخیص بدهم؟ پرونده شخصیتی که تشکیل نمی‌شود. کسی هم نیست ازش پرسیم. جایی هم نیست به آن مراجعه کنیم... یکسری خصوصیات باید باشد که جلوی چشم من باشد تا همه آن‌ها را با هم تطبیق بدهم. هم متهم را بشناسم، ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی اجتماعی‌اش را بلد باشم و هم رأی را با این موارد تطبیق بدهم و بر اساس این‌ها مجازات خدمات عمومی تعیین کنم. در حالی که همچنین چیزی اصلاً وجود ندارد.»

مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ نیز به چنین امری اشاره داشته است: «و یک معضلی که به نظرم این نهاد به آن دچار است تناسب نداشتن است. یعنی هیچ سنخیت و تناسبی بین جرم و شخصیت

۱. مشخصاً «ملاحظه ... مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم».

۲. تبصره ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه در ضمن حکم، به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم و شرایط و کیفیات مقرر در ماده تصریح می‌کند.»

مرتکب با خدمات عمومی که تعیین شده وجود ندارد. فهم درستی از این موضوع وجود ندارد که باعث می‌شود رأی‌هایی صادر شود که مجرم را عملاً محکوم کرده است به جزای نقدی، فقط به جای اینکه جزا نقدی برود در جیب دولت، قاضی تعیین کرده است که پول را در فلان جا خرج کن. یعنی قاضی خودش را گذاشته است جای قانون‌گذار و... که جای اینکه پول را واریز کنی و بعد مثلاً بیاد در کمیته امتداد خارج شود همین الان این با این پول فلان چیز را بخر و بده به نهاد پذیرنده که / چنین تصمیم و حکمی / کاملاً غلط است. یک دلیل چنین اتفاقی آموزش است و دلیل دیگر آن کم بودن اطلاعات قاضی از مجرم است. اگر چیزی مثل پرونده شخصیت، نه الزاماً همان پرونده شخصیت، وجود داشت که یک رصد کلی از مجرم وجود داشت و می‌شد تشخیص داد یک خدمت در زندگی یک مرتکب خلل جدی ایجاد نمی‌کند و متناسب بشود از ظرفیت این فرد استفاده کرد، همچنین داده‌هایی در اختیار قاضی قرار نمی‌گیرد.»

همین فرد در خصوص در دسترس نداشتن سوابق فرد به‌طور کامل و به‌نحوی که بتواند در تصمیمات اثرگذار باشد بیان کرده است: «در سیستم کیفری ما سبج کیفری به آن معنا وجود ندارد. یعنی اگر بخواهیم بفهمیم فرد سابقه دارد یا نه دوره وجود دارد. یک؛ کلاس انگشت‌نگاری در پلیس آگاهی که اون الزاماً سبج کیفری نیست؛ چون ممکن هست فرد دستگیر شده باشد، انگشت‌نگاری شده و بعداً تیرئه شده است، اما این سابقه در آن جا مانده است. این روش اطلاعات دقیقی نشان نمی‌دهد. مثلاً به اتهام سرقت دستگیر شده و محکوم هم شده است، اما بعد چه شده است؟ برای سرقت چقدر محکوم شده؟ چه چیزی سرقت کرده؟ چند شاکی داشته؟ چند فقره سرقت داشته؟ آیا رد مال انجام داده؟ آیا مشمول تعلیق شده؟ دو؛ یک راه این است که سابقه را از سیستم سمپ به دست بیاوریم. که اون هم درست نیست، چون فقط به شما نشان می‌دهد این فرد چندتا پرونده داشته است. اینکه این پرونده‌ها چه نتیجه‌ای داشته، چطور مختومه شدن؟ رأی‌های آن چه بوده؟ محتوای آن چه بوده؟ هیچ‌کدام مشخص نمی‌شود.»

مصاحبه‌شونده شماره ۸ نیز به موضوع سبج کیفری اشاره کرده و بیان داشت: «عملاً سبج کیفری در معنای دقیق و مورد نظر قانون نداریم. ما تنها اگر پرونده در همین حوزه قضایی صادر شده و وارد اجرای احکام شده باشد به‌صورت کامل مطلع می‌شویم... در اینجا سبج کیفری به معنای خاص نداریم. وقتی شخص معرفی می‌شود زندان وضعیتش را از سیستم پانید می‌گیریم که برخی از سوابق اخیرش ممکن هست موجود باشد ممکن هست نباشد. ممکن هست یک فرد ده‌ها پرونده داشته باشد، اما برای هیچ کدام زندان نرفته باشد. تازمانی که از طرف آن‌ها اعلام نشود (سازمان زندان‌ها) در سیستم پانید نشان داده نمی‌شود. فارغ از اینکه پانید خودش خیلی خطا دارد. برای

بعضی از محکومین در دسترس نیست یا درست نشان نمی دهد... الان رویه به این شکل است که در دادسرا سؤال می پرسند که آیا سابقه داری یا خیر؟ که افراد هم معمولاً می گویند خیر. یعنی به حرف متهم اکتفا می شود.»

این مشکل از زبان یکی از مصاحبه‌شوندگان که در واحد اجرای احکام مشغول بوده است اما تا به حال تجربه اجرای خدمات عمومی را نداشته است (نمونه شماره ۱۳)، به شکل دیگر بیان شد: «خیلی وقت‌ها فرد محکوم می شود به جزای نقدی همان روز هم پرداخت می کند. یا به حبس محکوم می شود اما با کفالت آزاد بوده است. حتی ممکن است فرد به حبس هم محکوم شده باشد و در واحد اجرای احکام همان حوزه ثبت شده باشد، اما من اینجا اطلاعی ندارم. مثلاً در شهرستان... مرتکب جرم شده به پنج سال حبس و در سیستم همان جا ثبت هست و در هیچ جای دیگه ثبت نکردن. اینجا من از کجا می فهمم؟»^۱

دیدگاه‌های مطرح شده از این امر حکایت دارد که به باور مقام قضایی درگیر در این فرایند، خدمات عمومی رایگان ضمانت‌اجرایی است که هدف نخستین آن بازاجتماعی نمودن مرتکب از طریق تعیین مجازات متناسب و نیز نظارت دقیق بر اجرای صحیح آن است؛ و از همین روی دسترسی به سابقه کیفری مرتکب و نیز پرونده شخصیت او، بسیار حیاتی است.

اکنون که دستگاه قضا به دلایل مختلف نتوانسته است این ابزارهای ضروری را تأمین نماید، حتی قضات صادرکننده چنین احکامی نیز در حصول نتیجه دلخواه دچار تردید هستند.

۲-۴-۳. فراهم نبودن زیرساخت‌های ابزاری اجرا و نظارت

می توان انتظار داشت که قضات صادرکننده تنها به مرحله صدور چشم نداشته و کمبود امکانات در مرحله اجرا نیز از عوامل تأثیرگذار بر تصمیمات آن‌ها است. همان طور که حضور عواملی مانند مددکاران اجتماعی در فرایند اجرای حکم نهادهایی مشابه و اثرگذاری آن‌ها بر صدور حکم از سوی دادرسان پیش‌تر نیز مورد توجه و اشاره پژوهش‌گران حقوق کیفری بوده است (پورقهرمانی و نگهدار، ۱۳۹۷: ۲۵۱).

این امر در گفته‌های مصاحبه‌شونده شماره ۷ به خوبی مشهود است که بیان داشت: «...مانع

۱. این قاضی با توجه به تجربه‌ی کار در واحد اجرای احکام برای حل این مشکل بیان داشت: «بنده چون قبلاً اجرای احکام کار کرده بودم جلوی این مشکلات را گرفته بودم. اجرای احکام اجبار کرده بودم محکوم به آگاهی فرستاده شود و انگشت‌نگاری شود و حکم تعلیقی یا جایگزین ما را در سامانه آگاهی ثبت کنند. در سامانه سازمان زندان‌ها هم ثبت کنند. در اداره سجل کیفری تهران هم ثبت کنند که این سابقه بماند. در غیر اینصورت محکومیت افرادی که مثلاً فقط در اجرای احکام ثبت شده باشد، کسی [خارج از آن دادگستری] متوجه نمی شود.»

بعدی که می‌شود به آن فکر کرد این است که بر فرض من رأی را صادر کردم، رفت اجرای احکام، اجرای احکام نیز دقیقاً با همین مشکلاتی که گفتم (برای مرحله صدور) مواجه هست. چجوری اجرا کند؟ (عدم آشنایی)، با کجا مکاتبه کند؟ چه کسی پیگیر کار شود؟»

به عقیده مصاحبه‌شونده‌ای دیگر، به‌عنوان یکی از قضات مجری حکم نیز «... حقیقتاً نمی‌توانم بگویم ما خوشحال می‌شویم از اینکه قضات خدمات عمومی رایگان بدهند. اجرا کردنش به مراتب از سایر احکام سخت‌تر هست؛ یعنی سخت‌ترین نوع مجازات است. هم قانون آیین دادرسی کیفری هم قانون مجازات اسلامی بیان می‌کنند قاضی اجرای احکام به تعداد کافی مددکار اجتماعی در اختیار دارد.^۱ بعد دستورالعمل ساماندهی اجرای احکام کیفری می‌گوید قاضی اجرا، پلیس ویژه اجرای احکام کیفری در اختیار دارید^۲ که نظارت انجام بدهد. عملاً الان همان کلاتری هست؛ بعد شما معرفی می‌کنید برای یک خدمت خاص ولی چه کسی می‌رود نظارت کند؟»

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ نیز با دیدگاه مشابه معتقد بود: «نه تنها در این مجازات بلکه در خیلی از موارد دیگر هم این اشکال وجود دارد؛ یعنی نبود پلیس اجرای احکام کیفری، نبود مددکار اجتماعی. مثلاً شما به زندانی مرخصی می‌دید نمی‌توانید بررسی کنید که این فرد بیرون/از زندان/ دارد چکار می‌کند؟... هیچ کسی هم نیست که من بفرستمش [برای نظارت]، کارمندان هم فرصت کافی ندارند که بفرستمشان بروند تحقیق کنند.»

از چنین نظراتی به روشنی می‌توان دریافت که حتی قضات صادرکننده نیز اثربخش بودن مجازات‌های اجتماع‌محور را محدود به مرحله تقنین و صدور حکم نمی‌دانند؛ بلکه کمیت و کیفیت ابزارهای لازم جهت اجرای چنین احکامی بر تصمیم‌گیری آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود (اسدی، ۱۳۹۶: ۶۷). به عبارتی قضات در صورتی که شرایط اجرای احکام صادرشده توسط خود را فراهم نیابند، میل به استفاده از آن ضمانت اجرا را از دست خواهند داد؛ زیرا همان طور که اشاره شد به عقیده این افراد هدف نخستین و اساسی ابزاری مانند خدمات عمومی رایگان، بازاجتماعی نمودن مرتکب است.

۱. ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی: «... قاضی مذکور (اجرای احکام) به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار دارد.»

۲. ماده ۱۸ «دستورالعمل ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری»، مصوب ۱۳۹۱/۰۳/۰۶: «جهت تسریع در ابلاغ اوراق قضایی و اجرای سریع احکام به تعداد لازم کارمند و مأمور انتظامی آموزش دیده (پلیس ویژه اجرای احکام و ابلاغ) در محل دادسرا مستقر تا تحت نظارت و تعلیمات دادستان نسبت به انجام امور محوله اقدام نمایند.»

همان طور که از بیان مقامات و نیز اسناد خُرد و کلان قضایی مرتبط برمی آید، نگرش اصلی تصمیم‌سازان قضایی به ضمانت‌اجراهای کیفری نوین، ارائه روش‌های متعدد جهت کاهش ورودی زندان‌ها و ارائه راهکارهایی کوتاه مدت جهت مقابله با معضلات ناشی از تورّم جمعیت زندان بوده است. در حالی که هر یک از این دو دیدگاه، اقتضانات مختص به خود را می‌طلبد و در رویکرد نخست (کیفرهای اجتماع‌محور به مثابه ابزار بااجتماعی کردن مرتکب)، فراهم بودن زیرساخت‌های فرهنگی - آموزشی، ابزاری و اقتصادی (مقدم بر اجرایی شدن قانون) گریزناپذیر خواهند بود.^۱

بدین ترتیب در صورت فراهم نبودن چنین پیش‌شرط‌هایی به طرز کاملاً طبیعی نرخ استفاده قضات، از چنین ابزاری کاهش خواهد یافت؛ زیرا به عقیده این افراد در صورت اجرا نشدن مناسب چنین احکامی، در دراز مدت نه تنها آثار اجتماعی مخربی به همراه خواهد داشت، بلکه به کاهش جمعیت زندان نیز منجر نخواهد شد.^۲

۱. نقصان در بسترهای مطرح‌شده را می‌توان از چالش‌های کاربست دیگر نهادها و تأسیسات نوین حقوقی دیگری که نیاز به نظارت و تعامل دستگاه قضا با نهادهای اجرایی خارج از دستگاه قضا دار نیز داشت. به عنوان مثال محدودیت‌های مالی، منابع حمایتی از بزه‌دیده، منابع درمان جامعه‌ی، نیروی انسانی، منابع حمایتی پس از دوره درمان، محدودیت زمانی، منابع اطلاعاتی، منابع درمانی جامعه‌ی، منابع آموزشی قضات و وکلای درمان‌گر، عدم تناسب بسترهای تعامل دادگاه و نهادهای مسئول، نگرانی‌های امنیت عمومی در رابطه با متهمان جرایم خشن و ... از بزرگ‌ترین چالش‌های کاربست اصول و شاخص‌های حل مسئله در دادگاه‌های سنتی شناخته شده‌اند (عزیزی و فرجیها، ۱۳۹۹: ۲۵۶).

۲. در این رابطه می‌توان به تجربه سایر کشورها نیز اشاره کرد. به عنوان نمونه در جمهوری چک، کار عام‌المنفعه و مصالحه خارج از دادگاه از سال ۱۹۶۶ به مرحله اجرا در آمد. حتی در مورد کار عام‌المنفعه قانون‌گذار تا آنجا پیش رفت که امکان تعیین آن برای محکومیت‌های تا ۵ سال زندان را نیز پیش‌بینی کرد. با این حال نتایج به دست آمده تا حدودی ناامیدکننده بود. مؤسسه جرم‌شناسی پراگ پیرامون عوامل این عدم موفقیت تحقیق کرده و به این نتیجه رسیده بود که نبود منابع مالی لازم جهت تبلیغ و توضیح هدف‌های مجازات جایگزین، عدم درگیری جامعه مدنی، نبود شمار لازم مأموران و مددکاران اجتماعی و کافی نبودن آموزش‌های متداول برای «مأموران عالی‌رتبه دادگاه‌ها» را می‌توان از جمله مشکلات عملی در راه توفیق این دو تدبیر جایگزین در جمهوری چک ذکر کرد. در کنیا نیز محکومان به انجام خدمات عمومی رایگان ناگزیر از طی مسافت طولانی تا محل انجام کار بودند. این مشکل در کنار فساد اداری که در ازای پرداخت مبلغی، محکوم می‌توانست تعهدهای خود را انجام ندهد (عدم نظارت صحیح) یا ناگزیر از انجام کاری برای شخص مأمور مراقبتی به جای انجام خدمات عمومی می‌شد، از جمله دلایل عدم توفیق خدمات عمومی رایگان در این کشور، لافل در آغاز اجرای آن دانسته‌اند (آشوری، ۱۳۹۹: ۶۳).

نتیجه

با افزایش جمعیت کیفری زندان و مواجهه با چالش «تورم جمعیت زندان» یا «ازدحام در زندان» و از سوی دیگر روشن شدن عدم کارایی مجازات حبس به دلایل مختلف، از جمله بالا بودن هزینه‌های آن و سودمندی کم، غیرانسانی بودن، مشکلات سخت‌افزاری، ناامن بودن و شکست نظام اصلاح و درمان، همچنین آثار ناگواری که در زمینه‌های بهداشتی (انتقال بیماری‌های مسری)، جرم‌شناختی (تکرار جرم و اعتیاد)، اخلاقی (ناشی از تورم جمعیت در بندها) و اجتماعی (انقطاع شغلی و خانوادگی) بر بزهکار تحمیل می‌کند، تلاش‌های بسیاری جهت گریز از اعمال آن صورت گرفت که یکی از آن‌ها حرکت به سوی مجازات‌های جایگزین حبس یا مجازات‌های اجتماع‌محور بوده است؛ بنابراین با رخت بر بستن تفکر قرن نوزدهمی در خصوص تمرکز بر مجازات حبس به عنوان مهم‌ترین روش پاسخ به جرم، از دهه ۱۹۶۰ به بعد تأکید بر مجازات حبس کم‌رنگ و ضمانت‌اجراهای اجتماع‌محور و جایگزین حبس، جایگزین آن شد و شتاب فزاینده‌ای گرفت.

با این حال از جمله عواملی که تأثیر فراوانی در روی‌گردانی از الگوی جایگزینی مجازات‌های اجتماعی داشت، اثر معکوس آن بر هدف کاهش جمعیت زندان است. اگرچه هدف از جایگزین‌های حبس، کاهش میزان ورود بزهکاران به چرخه حبس بوده، ولی در عمل برخلاف این امر مشاهده شده است. پژوهشگرانی که در این باره مطالعه کردند، دریافته‌اند بسیاری از بزهکارانی که به مجازات‌های اجتماعی محکوم شدند، به علت نقض دستورات و الزامات مربوط به مجازات اجتماعی، روانه زندان شدند، در حالی که در صورت نبود مجازات‌های اجتماعی، بزهکاران مزبور به مجازاتی مانند جزای نقدی محکوم می‌شدند که فاقد الزامات اضافی بوده. این امر به نوبه خود باعث افزایش هزینه‌ها نیز می‌گردد.

آشکار است که در نظر گرفتن مجازات‌های اجتماع‌محور به عنوان مجازاتی غیروابسته و با اهداف و فلسفه‌ای مستقل که می‌توان آن را انعکاس مؤلفه‌های پارادایم عدالت ترمیمی تعبیر نمود، مستلزم فراهم نمودن بسترها و زمینه‌هایی نیز است. به عبارتی اثربخش بودن این دسته از مجازات‌های به‌طور کامل تابعی از آمادگی بسترهای فرهنگی و اجتماعی و نیز بسترهای اجرایی مانند حضور کافی متخصصان غیرقضایی نظیر مددکاران اجتماعی و مأموران مراقبتی به منظور نظارت بر اجرای آن‌ها و وجود بسترها اطلاعاتی نظیر بایگانی جنایی است.

پژوهش حاضر نیز با تمرکز بر یکی از بارزترین نمونه‌های مجازات اجتماعی؛ یعنی خدمات عمومی رایگان که کاربست صحیح و مؤثر بودن آن نیازمند فراهم بودن بسترهای قضایی و غیرقضایی است، به بررسی یکی از مهم‌ترین سطوح پرداخته است. در این ارتباط داده‌های گردآوری شده حاکی

از آن است که کاربست چنین مجازات‌هایی با چالش‌های قضایی متعددی روبه‌رو است. از یک طرف داده‌های حاصل گروه تمرکزی و مصاحبه‌های انجام گرفته حاکی از آن است که عدم تسلط کافی بر جنبه‌های فنی قانون و تکنیکال شدن بیش از حد قانون، می‌تواند بر کمیت و کیفیت آرای صادره در حوزه جایگزین‌های حبس و به‌خصوص خدمات عمومی رایگان اثرگذار باشد. از عمده دلایل این مشکل نیز می‌توان به نبود زمان کافی جهت برگزاری دوره‌های آموزشی متناسب عنوان نمود. از سوی دیگر فرهنگ کیفرگرا و حبس‌گرای حاکم بر دستگاه قضا نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از موانع استفاده حداکثری از ظرفیت‌های چنین کیفری در نظر گرفته شود. برخی از قضات به چنین ضمانت‌اجراهایی اعتقاد نداشته و آن‌ها را فاقد کارایی لازم می‌دانند و گروهی نیز علی‌رغم آگاهی بر یافته‌های جرم‌شناسانه، متأثر از همین نگاه و جهت جلوگیری از بازخوردهای نامناسب درون سیستمی، از صدور چنین آرای خودداری می‌کنند. همچنین زمان‌بر بودن صدور چنین احکامی با وجود تورم پرونده‌های کیفری در دادگاه‌ها در کنار ارزیابی کمی دستگاه قضا از عملکرد قضات، مانع دیگری در مسیر تحقق اهداف نظری پیش‌بینی شده برای این‌گونه مجازات‌ها خواهد بود. آگاهی قضات صادرکننده از کمبودهای مرحله صدور و اجرای حکم، از قبیل عدم وجود پرونده شخیصیت و نیز سجل کیفری قابل اتکا و نداشتن ابزار لازم به‌منظور نظارت بر مجرمین حین انجام خدمت، از دیگر عوامل بازدارنده در مسیر کاربست مجازات‌های اجتماع‌محور و به‌خصوص مجازات خدمات عمومی رایگان خواهد بود.

می‌توان چنین استنتاج نمود که وجود چنین چالش‌هایی را نباید صرفاً به فراهم نبودن بسترهایی تقلیل داد که به مرور زمان و صرف هزینه قابل برطرف نمودن است؛ زیرا منشأ چنین چالش‌هایی را باید در سطحی کلان‌تر و در نوع رویکرد نادرست سیاست‌گذاران جنایی در ارتباط با این‌گونه از ضمانت‌اجراها دانست.

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با پیروی از جریان فکری حاکم بر سیاست‌های کلی نظام قضایی، برخلاف باور تهیه‌کنندگان آغازین متون قانونی مرتبط،^۱ با گزینش الگوی جایگزینی،

۱. در گزارش توجیهی لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی که توسط مرکز مطالعات راهبردی و شورای عالی توسعه قضایی در سال ۱۳۸۲ ارائه گردید، آمده است: «مجازات‌هایی که جانشین زندان می‌شوند، باید مستقل از زندان و صرف نظر از کارآمدی یا ناکارآمدی زندان، برای خود دلایل توجیهی داشته باشند. از سوی دیگر با توجه به سیاست حبس‌زدایی قوه قضائیه، تدابیر و اقدامات مذکور در این لایحه به طور مستقل در قوانین کیفری آینده پیش‌بینی خواهد شد. از همین رو از به کار بردن عنوان مجازات‌های جایگزین زندان که عنوانی وابسته و غیرمستقل است، باید خودداری

صرفاً در پی فراهم آوردن ابزارهایی جدید برای کاهش جمعیت زندان و کاستن از ورودی این نهاد بوده‌اند.

به عبارت دیگر سیاست‌گذاران قضایی همواره با نگاهی مدیریتی - اقتصادی صرفاً هدف کاهش جمعیت زندان و کاستن از هزینه‌های مالی را مد نظر قرار داده‌اند؛ در صورتی که مجازات‌های اجتماع‌محور دارای فلسفه و اهدافی مستقل هستند و تجربه سایر کشورها نیز حاکی از مؤثر واقع نشدن آن‌ها به‌عنوان نهادهای جایگزین است.

نتایج چنین رویکرد مدیریتی - اقتصادی را می‌توان ذیل دو مقوله جزئی‌تر، موجد چالش‌های مطرح‌شده در این پژوهش دانست.

الف) جاری بودن معیارهای کیفرگزینی متناقض با ماهیت مجازات‌های اجتماع‌محور (خدمات عمومی رایگان)؛

تصمیم‌گیری قضات در هر پرونده مبتنی بر معیارهای مشخصی صورت می‌گیرد. گروهی از این معیارها می‌توانند شخصی، مانند نگرش قضایی قاضی باشند. داده‌های پژوهش حاضر نیز بیان‌گر آن است که اصولاً قضات به نهادهای جدید به دیده تردید نگریسته و آن‌ها را ضمانت‌اجرایی بی‌اثر می‌پندارند. به‌علاوه از جمله متغیرهای مهم و مؤثر بر نحوه شکل‌گیری نگرش قاضی، آشنایی وی با آموزه‌های جرم‌شناختی است؛ زیرا مطالعات جرم‌شناختی، واقعیت اجتماعی و انسانی جرم را برای کسانی که قرار است به‌عنوان کنش‌گران درونی و بیرونی نظام عدالت کیفری برای مقابله با مظاهر مختلف بزهکاری، سیاست‌گذاری کنند.

با این حال به دلیل نداشتن رویکردی صحیح و متعاقباً نداشتن برنامه‌ریزی مناسب، دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری، نسبت به ضرورت آموزش‌های جرم‌شناختی و تراکم شدید و طاقت‌فرسای کار قضایی و فراهم نبودن امکان مطالعات جرم‌شناختی برای قضات توجه نداشته و در نتیجه قضات نیز نمی‌توانند از این آموزش‌ها در کاهش جمعیت کیفری استفاده کنند.

پاره‌ای دیگر از معیارها، نوعی و مبتنی بر رویه دست‌گاه قضایی است. به عبارتی قاضی ممکن است تحت تأثیر معیارها و عوامل رویه‌ای، اقدام به تعیین کیفری نماید که با استنباط‌های شخصی و نیز نگرش و اعتقاد وی نسبت به کیفر متفاوت باشد. «آماری شدن دادرسی» را به‌عنوان نمونه‌ای از

کرد. همان‌گونه که زندان در سده هجدهم با فلسفه خاص حاکم بر آن زمان و مستقل از سبک کیفری پیشین متولد شد، امروز نیز مجازات‌های اجتماعی با توجه به روح حاکم بر زمان ما و مستقل از زندان بر سپهر قلمروی کیفری آشکار می‌شود» (شمس ناتری و ریاحی، ۱۳۹۱: ۱۹۶)

معیارهای رویه‌ای باید در گزینش کیفر مؤثر دانست که به علت شتاب در دادرسی‌ها و بی‌دقتی در صدور حکم، می‌تواند بر نوع و میزان کیفر تعیینی مؤثر باشد. این امر مجال فردی‌سازی کیفر و تفکر قاضی در زمان صدور حکم، جهت گزینش کیفر متناسب را تا حدود زیادی از بین برده است. همچنین گاهی قضاوت برخلاف عقاید خود و در جهت تأمین انتظارات دیدگاه حاکم بر محیط کاری از صدور جایگزین‌های متعدد خودداری می‌کنند. به‌عنوان مثال تعیین کیفر مدّ نظر دادستان از سوی دادگاه جزایی، به انگیزه مواجه نشدن حکم صادرشده با اعتراض دادستان، به‌رغم اعتقاد نداشتن قاضی دادگاه بر لزوم تعیین کیفر، از جمله این موارد است.

بنابراین تصمیم‌گیران قضایی به‌جای تلاش برای اصلاح رویه‌های تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری قضاوت و رهنمون‌سازی آن به سمت پذیرش الگوهای علمی و جرم‌شناختی که می‌تواند نرخ رو به افزایش جمعیت کیفری زندان را کندتر و به سامان‌تر کند، با اتخاذ تدبیری نامناسب، از نهادهای اجتماع‌محور به‌عنوان ابزار کاهش جمعیت زندان استفاده کرده‌اند معیارهای در تعارض قرار خواهد گرفت.

ب) عدم توجه به زیرساخت‌های اجرایی مجازات‌های اجتماع‌محور (خدمات عمومی رایگان). در صورتی که سیاست‌گذاران کیفری مجازات خدمات عمومی رایگان را به‌عنوان مجازاتی اجتماع‌محور در جایگاه و ماهیت اصلی خود در نظر می‌گرفتند، متعاقباً باید خود را ملزم به فراهم نمودن بسترهای اجرایی آن نیز می‌دانستند؛ زیرا اصلاح و بازاجتماعی نمودن مرتکب تنها به واسطه سنجش وضعیت پیشین (لحظه ارتکاب جرم) و فعلی او و همچنین مهیا بودن ابزار نظارت بر وی امکان‌پذیر خواهد بود. در چنین شرایطی کاهش جمعیت زندان را می‌توان به‌عنوان آثار جانبی بازاجتماعی شدن مرتکب (اجرای مجازات اجتماع‌محور) انتظار داشت. در مقابل آنگاه که هدف اولیه از اجرای مجازات‌های اجتماع‌محور بر مبنای کاهش جمعیت زندان قرار می‌گیرد، ابزار سنجش وضعیت مرتکب (سجل کیفری و پرونده شخصیت) و همچنین ابزار نظارت (نیروی متخصص و متناسب، امکانات لازم و زمان کافی) چندان ضروری نمی‌نماید و رنگ عناصری جانبی و تکمیلی به خود می‌گیرند در حالی که تجربه نیز ثابت کرده است که این روند در طولانی مدت نتایج معکوسی نیز به همراه خواهد داشت.

نتیجه آنکه چالش‌های قضایی کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان به‌عنوان یکی از بارزترین مصادیق مجازات‌های اجتماع‌محور، ماحصل جاری بودن و استمرار معیارهای کیفرگزینی متناقض با ماهیت مجازات خدمات عمومی رایگان و نیز عدم توجه به زیرساخت‌های اجرایی مجازات خدمات عمومی رایگان است که هر دو مقوله خود تابعی از رویکرد و سیاست‌گذاری

نادرست در ارتباط با این‌گونه از ضمانت‌اجراهای کیفری بوده است. برای رفع چالش‌های بیان‌شده، هدف قرار دادن مواردی مانند ایجاد سجل کیفری جامع و برخط که خود معلول علل دیگری هستند، نتایج کاملی به همراه نداشته و باید با تغییر رویکرد سیاست‌گذاران کیفری و کاربست چنین نهادهایی در مسیری منطبق با ماهیت آن‌ها، همراه باشد.

بدین ترتیب راهکارهای پیشنهادی در دو سطح قابل طرح خواهند بود:

سطح کلان؛ در نخستین گام قانون‌گذار باید ضمانت‌اجراهای کیفری را متناسب با اهداف خود برگزیند و در این مسیر فراهم بودن بسترهای اجتماعی و ابزاری را لحاظ نماید. همچنین دستگاه قضا در درون چهارچوب‌های خود باید با ارائه آموزش‌هایی در مورد آسیب‌های مجازات حبس و مبان‌ی و اهداف پاسخ‌های کیفری نوین، تردید و نگاه منفی نسبت به آن‌ها را از بین ببرد.

سطح خرد؛ در این سطح قانون‌گذار و دستگاه قضا باید دو محور متفاوت را مورد توجه قرار دهند. الف) پیش از تصویب یا پیش از اجرایی شدن قانون، بسترهای ابزاری لازم فراهم شود. در ارتباط با مجازات خدمات عمومی رایگان ایجاد زیرساخت لازم برای تهیه سجل کیفری کامل و پرونده شخصیت، به‌کارگیری نیروهای متخصص مانند مددکاران و مأموران مراقبتی (نظارت) ضروری است. ب) همچنین ارائه آموزش‌های لازم درخصوص ابعاد فنی نهاد نوین و چگونگی به‌کارگیری آن لازم خواهد بود.

منابع

فارسی

- آشوری (۱۳۹۹)، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، ویراست دوم، تهران: مرکز نشر جهش.
- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۰). حقوق کیفری عمومی (بر اساس لایحه مجازات اسلامی)، جلد دوم، تهران: جنگل جاودانه.
- اسدی، لادن (۱۳۹۶)، آسیب شناسی اجرای مجازات های جایگزین حبس در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (دانشکده حقوق و الهیات).
- پورمحمی آبادی، حسین، داریوش بوستانی و سعید قماش (۱۳۹۸). «سیطره حبس گرایی و رویای حبس زدایی در سیاست کیفری ایران (مطالعه موردی حوزه قضایی شهر کرمان)»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال نهم، شماره اول: صص ۵۹-۳۳.
- پورقهرمانی، بابک و ایرج نگهدار (۱۳۹۷). «ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید (مطالعه موردی محاکم کیفری استان کردستان)»، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴۸، شماره ۲.
- پولادمست سربابی نژاد، سعیده (۱۳۹۶)، خدمات عمومی رایگان در حقوق کیفری ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام خمینی (دانشکده علوم اجتماعی).
- توجهی، عبدالعلی و ابراهیم زارع (۱۳۹۸)، «سابقه محکومیت کیفری به عنوان جلوه ای از «حالت خطرناک» و کاربست آن در مجازات های جایگزین حبس»، آموزه های حقوق کیفری، دوره شانزدهم، شماره هفده.
- تونری، مایکل (۱۳۸۷)، «کیفرهای اجتماع محور در ایالات متحده آمریکا»، مجله حقوقی دادگستری، ترجمه مینا صدیق فر، شماره ۶۴.
- خاکسار، داوود و حسین غلامی (۱۳۹۸)، «عوامل مؤثر بر صدور مجازات های جایگزین حبس»، پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره بیست و ششم.
- خاکسار، داوود و حسین غلامی (۱۳۹۷). «سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات های جایگزین حبس»، پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره یازده.
- ریاحی، محمد اسماعیل (۱۳۹۵). سنجش نگرش قضات شهر تهران نسبت به قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی: بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع محور در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.
- سلسله نشست های تدوین سند جامع اصول رهبردی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰)، مصاحبه شماره سه کارگروه کیفر با دکتر علی عزیزی، پژوهشگاه قوه قضائیه.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم و جواد ریاحی (۱۳۹۱)، «ارزیابی مجازات های اجتماعی مندرج در لایحه مجازات اسلامی در پرتو الگوی جایگزینی»، حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳.
- عزیزی، علی و محمد فرجیها (۱۳۹۹)، «کاربست اصول حل مسئله در دادگاه های کیفری ایران؛ چالش ها و راهکارها»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۳.
- قاسمی کهریزسنگی، راضیه و محمد فرجیها (۱۳۹۴)، «چالش عدالت و کارآیی در گفتمان مدیریت گرایی

- کیفری»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۹.
- قاسمی مقدم، حسن (۱۳۸۷)، «مبانی ارزیابی اثربخشی کیفرهای اجتماع‌محور و تحلیل یافته‌های آن با تأکید بر مطالعه موردی دوره مراقبت در ایالات متحده و انگلستان»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۶۴.
 - محسنی، فرید و رضا رحیمیان (۱۳۹۸)، «از کیفرگذاری تقنینی تا کیفرگزینی قضایی؛ مدل‌ها و معیارها (با تأکید بر رویه قضایی ایران)»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۳، شماره ۱۰۷.
 - محمدکوره‌پز، حسین، محمد فرجیها و محمد متین پارسا (۱۴۰۰)، «موانع کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران؛ مطالعه کیفی»، *مجله مجلس و راهبرد*، سال ۲۸، شماره ۱۰۷.
 - محمدیان پهنوار، یوسف (۱۳۹۶)، *تحلیل کیفرشناختی خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (دانشکده حقوق).
 - مؤذن‌زادگان، حسنعلی و محمد متین پارسا (۱۴۰۰)، «چالش‌های تقنینی اجرای خدمات عمومی رایگان از منظر قضات»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
 - منصورآبادی، عباس و سلمان کونانی (۱۳۸۹)، «بستر مجازات‌های جامعه‌مدار؛ با تأکید بر رویکرد سیاست جنایی ایران»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، سال پنجم، شماره پانزدهم.
 - منصورآبادی، عباس، جواد یآوری، مهدی شیدائیان و عباس رحیمی‌نژاد (۱۳۹۶)، «الگوهای تصمیم‌گیری قضایی در آمریکا و ایران»، *پژوهش حقوق کیفری*، سال پنجم، شماره هجدهم.
 - میرخلیلی، سید محمود و تقی یعقوبی (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها»، *مجله راهبرد*، دوره ۲۶، شماره ۸۲.
 - ناظرزاده کرمانی، فرناز و زینب امامی غفاری (۱۳۹۳)، «بررسی رویه و نگرش قضات دادگاه‌های اطفال تهران به جایگزین‌های مجازات حبس». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۶۵.
 - نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، «کیفرهای جامعه‌مدار»، *دیپاچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، چاپ هشتم، تهران: مجد.
 - نوبهار، رحیم (۱۳۹۰)، «اصل کاربرد کمیته حقوق کیفری»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره ۱.
 - والهی، حمید و سیدرضا احسان پور (۱۳۹۵)، «جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آن‌ها در نظام عدالت کیفری ایران»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، دوره ۲۳، شماره ۸۵.

انگلیسی

- Hegde, Dinesh S. (2015). *Essays on Research Methodology*, Springer India.
- Tsang, Kwok Kuen; Dian Liu, Hong Y. (2019) "Introduction: Qualitative Research Methods in Empirical Social Sciences Studies—Young Scholars' Perspectives and Experiences". In: - Tsang, Kwok Kuen; Dian Liu, Hong Y. (eds) *Challenges and Opportunities in Qualitative Research*, Springer, Singapore.
- Nieuwbeerta, Paul; Nagin, Daniel S.; Blokland, Arjan A. J. (2009). "Assessing the Impact of First-Time Imprisonment on Offenders Subsequent Criminal Career Development: A Matched Samples Comparison", *Journal of Quantitative Criminology*, 25 (3):227-257. DOI 10.1007/s10940-009-9069-7.
- Sanders, Alan & Senior, Paul. (1994). *Jarvis' Probation Service Manual*. (5th

edition). Sheffield: PAVIC Publications.

- Worrall, Anne; Hoy, Clare (2005). **Punishment in the Community; Managing offenders, making choices**, Devon (UK): Willan Publishing.
- Weaver, Beth; Armstrong, Sarah (2011). **User Views of Punishment The dynamics of community-based punishment: insider views from the outside**, Research Report No.03. SCCJR (The Scottish Center for Crime and Justice Research).

وبسایت

- <https://www.donya-e-egtesad.com/fa/tiny/news-3531164> - last visit: 1399/02/22